

عملیات بیت المقدس

سیر طرح ریزی عملیات بیت المقدس

پس از پایان یافتن عملیات فتح مبین بلافاصله برنامه ریزی و تلاش ها برای طرح ریزی و اجرای عملیات بیت المقدس آغاز شد. تقریباً در روز ۸ فروردین سال ۱۳۶۱، نبردهای عملیات فتح مبین به اتمام رسید و عملاً طرح ریزی عملیات بیت المقدس از سوی گروه طرح ریزی سپاه و ارتش آغاز گردید البته به موازات آماده شدن برای عملیات فتح مبین، یک قرارگاه از سپاه، مسئولیت شناسایی و کسب اطلاعات از دشمن و نیز برنامه ریزی اولیه برای طرح ریزی عملیات بیت المقدس را با کمک یک گروه طرح ریزی از قرارگاه کربلای ارتش بر عهده گرفته و نیروهای خود را در این منطقه مستقر کرده بود تا بتواند از فرصت کافی برای انجام اقدامات مقدماتی، برخوردار باشد. با اتمام عملیات فتح مبین، اولین جلسه فرماندهان سپاه و ارتش در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۰ انجام شد تا بررسی شود که چگونه بایستی به منطقه عملیاتی بیت المقدس که وسعت آن بیش از نیمی از سرزمین لبنان بود، حمله نموده و قوای دشمن را در آن منهدم کرده و تار و مار نمایند. البته قبل از آغاز عملیات فتح مبین، کار کسب اطلاعات و شناسایی بر روی نحوه آرایش و استقرار قوای دشمن در این منطقه انجام شده بود و راهکارهای مختلف برای طرح ریزی عملیاتی موفق، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته بود. دو گروه طرح ریزی جداگانه از سپاه و ارتش، نزدیک بیست روز پس از عملیات فتح مبین برنامه ریزی های خود را انجام داده و طرح های عملیاتی مورد نظر خویش را آماده کردند. آنگاه اعضای این دو گروه طرح ریزی، در قرارگاه مرکزی و مشترک ارتش و سپاه که به اسم قرارگاه کربلا، نامگذاری شده بود، حاضر شده و در حضور فرمانده کل سپاه و فرمانده نیروی زمینی ارتش (برادر محسن رضائی و سرهنگ صیاد شیرازی)، طرح ها و پیشنهادات خود در مورد انتخاب راهکار بهینه، را مطرح کردند. دو راهکار مقدماتی و اصولی در جلسات هم اندیشی و نشست های طرح ریزی مشترک، به شرح ذیل ارائه گردید:

الف- حمله از جاده اهواز - خرمشهر

راهکار اول، انجام تک اصلی از محور شمال به جنوب منطقه عملیاتی از طریق عبور از جاده اهواز - خرمشهر و همچنین عبور از رودخانه کرخه کور بود. بر اساس این راهکار، استفاده از جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر به عنوان محور تلاش اصلی و بکارگیری عمده قوا محسوب می شد. همچنین حمله به مواضع دشمن با اتکا بر یک معبر زمینی مطمئن و عبور از رودخانه کارون در منطقه بین دریسه و سلمانیه به عنوان تلاش پشتیبانی در نظر

گرفته شده بود. عمده دلیل تنظیم و ارائه این راهکار آن بود که با تکیه بر جاده اهواز - خرمشهر، امکان استفاده از خطوط مواصلاتی مطمئنی برای انتقال عمده قوا به سمت مواضع دشمن، وجود داشت. بنابراین رزمندگان و یگانهای عمل کننده از عقبه مناسبی برخوردار بود ند. اما در مسیر این محور، ارتش عراق استحکامات و موانع فراوانی ایجاد کرده بود و شکستن خط اول دفاعی دشمن به سختی و به زحمات امکان پذیر بود. از سوی دیگر حرکت ستونی نیروها از طریق جاده اهواز - خرمشهر با توجه به سه بریدگی بزرگ که از سوی ارتش بعثی ایجاد شده بود و همچنین موانع مصنوعی زیادی که در جلوی مواضع مستحکم یگان های دشمن، احداث گردیده بود، راهکار عملی و اقدام سرنوشت سازی نبود که زیاد روی آن فکر شود. ولی این راهکار یکی از چند راهکارهایی بود که از سوی ستاد مشترک ارتش از تهران به نیروی زمینی ارتش پیشنهاد شده بود تا بر روی آن فکر شود. البته در همان نامه ارسالی از سوی ستاد مشترک ارتش به معایب این راهکار اشاره شده بود. بکارگیری این راهکار، مستلزم اجرای یک آتش تهیه سنگین و استفاده از قدرت برتر و وجود یگان های زرهی برای حمله مؤثر به خطوط مستحکم ارتش بعثی بود. این راه کار پیشنهادی با توجه به آنکه یک تک جبهه ای را به ارمغان می آورد و رزمندگان اسلام می بایستی با نقاط قوت و جبهه مستحکم دشمن بجنگند، رد شد. زیرا از یک سو فاصله ی مواضع نیروهای خودی از مسیر این جاده تا رسیدن به خرمشهر حدود ۱۱۰ کیلومتر می شد و از سویی دیگر عمده قوای دشمن در حاشیه جنوبی رودخانه کرخه کور، مستقر شده بودند و چسبیدن مواضع یگان های دشمن در کنار ساحل رودخانه کرخه کور، عبور از آن را غیر ممکن می ساخت. همچنین لشکر های ۵ و ۶ زرهی و مکانیزه ارتش بعثی که ستون فقرات قدرت دفاعی دشمن در جلوی اهواز محسوب می شدند نیز در این منطقه گسترش یافته و مواضع مستحکمی برای دفاع مطمئن، احداث کرده بودند. از طرف دیگر تصور ارتش بعثی بر این بود که تلاش اصلی تهاجم قوای اسلام از مسیر این جاده خواهد بود و بنابراین این جبهه را با اقدامات مهندسی و با استفاده از میادین مین متعدد و ایجاد موانع مناسب، مستحکم ساخته بود. براساس این راه کار، عمده قوا بایستی از طریق جاده اهواز - خرمشهر وارد عمل می شدند و عبور از رودخانه کارون در حد فاصل بین دریسه تا سلمانیه که فاصله نسبتاً زیادی از شهر اهواز داشت، صورت می گرفت. در این راه کار، عبور از رودخانه کارون با خطر پذیری کمتر و دستاورد پایین تر صورت می گرفت. این راه کار تا حدودی، مثل عملیات هویزه بود که قبلاً ارتش آن را در سال ۱۳۵۹ انجام داده و با ناکامی مواجه شده بود. البته وضعیت و موقعیت این دو عملیات با هم تفاوت زیادی دارند. اشکال این راه کار این بود که هم، بخشی از نیروهای رزمنده، بایستی اقدام به تک جبهه ای علیه مواضع دشمن می کردند و هم به دلیل استعداد کمی که برای ن نیروهای عبور کننده از رودخانه، در نظر گرفته شده بود، دشمن می توانست آنها را به سرعت به عقب براند. بنابراین به دلیل اشکالات فوق، در همان روزهای اول این راهکار مقدماتی مورد بررسی و در نهایت از سوی گروه های طرح

ریزی و فرماندهان قرارگاه، رد شد و قرار شد تا بر روی راهکار عبور از رودخانه کارون فکر شود.

ب- عبور عمده قوا از رودخانه کارون

راهکار مقدماتی دوم، انجام تک اصلی از شرق به غرب منطقه عملیاتی با عبور عمده قوا از رودخانه کارون در حد فاصل آبگرفتگی شمال تا سلمانیه، پیش بینی شده بود. بر این اساس، یگان های عملیاتی در منطقه بین دریسه تا سلمانیه به عنوان تلاش اصلی و با تاکتیک " هجوم انبوه "، از رودخانه کارون عبور کرده و حمله از منطقه جنوب غربی اهواز به عنوان تلاش پشتیبانی، تلقی می شد. براساس این راهکار مهم ترین مسئله، تأمین پل های شناور تعجیلی مورد نیاز بود که کمبود پل و سطحه های شناور، مسئله ساز شد. در این راهکار، عبور عمده قوا از رودخانه کارون و از ناحیه شمال شرقی خرمشهر و تا حدودی در نزدیکی های آن شهر صورت می گرفت و کاری فوق العاده مهم و همراه با خطر پذیری فراوان بود ولی در عین حال راه کاری ابتکاری و ارزشمند و با دستاورد های بالا پیش بینی می شد. این راه کار که بسیار مورد توجه قرار گرفت و در نهایت به تصویب رسیده و به اجرا درآمد، با این استدلال پذیرفته شد که شناسایی های صورت گرفته و اطلاعات کسب شده از دشمن، نشان می داد که ضعیف ترین منطقه استقرار قوای دشمن در فضایی بی ن هالوب تا دارخوین در غرب رودخانه کارون می باشد. فرمانده سپاه و گروه طرح ریزی مشترک به این نتیجه رسیده بودند که این منطقه، مرکز تعادل و نقطه کانونی ضعف دشمن و قلب منطقه عملیاتی بیت المقدس است و اگر نیروهای رزمنده به این منطقه دسترسی پیدا کنند، موفق خواهند شد تا بین نیروهای شمال و جنوب ارتش بعثی فاصله انداخته و کمر دشمن را بشکنند. منطقه مورد نظر از ایستگاه حسینیه تا مرز بین المللی از یک سو و از آنجا تا نقطه مرزی کوشک از سوی دیگر بود، که دوزنقه ای به وسعت حدود ۵۰۰ کیلومتر مربع را تشکیل می داد. دسترسی به این منطقه می توانست مشکلات اساسی زیر را برای ارتش بعثی ایجاد کند: اول آنکه قوای اسلام بر خلاف آرایش و موضع گیری دشمن و به نوعی از طریق پهلو و جناح یگان های ارتش بعثی وارد عمل شده و به عقبه های لشکر های ۵ و ۶ دشمن نزدیک می شدند و با ادامه پیشروی دشمن احساس می کرد که این دو لشکر مهم در محاصره رزمندگان اسلام قرار خواهند گرفت. دوم آنکه حرکت یگان های سپاه و ارتش به سمت مرز بین المللی، این تصور را در دشمن پدید می آورد که ممکن است ادامه تک قوای اسلام به سمت نشوه و بصره باشد و بنابراین دومین شهر بزرگ عراق در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت. سوم اینکه دشمن احساس می کرد که با ادامه عملیات، خرمشهر را از دست خواهد داد و آرایش پدافندی ارتش بعثی در شرق و شمال این شهر، بی اثر خواهد شد. بنابراین، به نظر می رسید که در نهایت دشمن با چنین نگرانی هایی دچار تردید و ابهام خواهد شد. با چنین دلایلی، این راهکار برای تهاجم به مواضع دشمن مورد انتخاب و تصمیم گیری واقع شد و تمام تلاش ها و برنامه ریزی ها برای استفاده از آن، صورت گرفت.

عملیات بیت المقدس

در چهلمین روز از بهار سال ۱۳۶۱ و پس از گذشت حدود یک ماه از پایان عملیات فتح المبین، در حالی که هر روز خستگی جسمی رزمندگان شرکت کننده در این نبرد، برطرف نشده و آسیب های تجهیزاتی ناشی از این عملیات، ترمیم نشده بود، به منظور فرصت ندادن به ارتش عراق، بزرگ ترین تهاجم قوای اسلام به منظور پایان دادن به اشغال خوزستان از سوی ارتش بعثی صدام، آغاز گردید. این عملیات که در دومین سال حمله ارتش بعثی عراق به خاک ایران عزیز، انجام شد و حدود ۲۵ روز به طول انجامید، علاوه بر آنکه حدود ۵ هزار و ۴۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های جنوب استان خوزستان را از لوٹ وجود قوای دشمن پاک کرد، به بزرگ ترین موفقیت قوای ایران در دوران جنگ تحمیلی تبدیل شد، زیرا که توانست خرمشهر را پس از ۵۷۵ روز اشغال، آزاد نموده و پرچم جمهوری اسلامی را بر بالای گل‌دسته مسجد جامع آن شهر خونین، به اهتزاز در آورد. عملیات بیت المقدس یکی از گسترده ترین و با ارزش ترین عملیات های دوران دفاع مقدس و یکی از دوازده عملیات بنیادین و مؤثر ایران در طول ۸ سال دفاع مقدس بوده است. هر مرحله از عملیات بیت المقدس در مقایسه با عملیات هایی مثل ثامن الائمه و طریق القدس، خود یک عملیات بزرگ بود.

محدوده منطقه عملیاتی بیت المقدس

منطقه عملیات کربلای ۳ که به نام بیت المقدس خوانده شد، فضایی است ه موار بین شهرهای اهواز و خرمشهر تا منطقه مرزی بین دو کشور ایران و عراق که از سه جهت، در محاصره موانع طبیعی مثل رودخانه ها و هور الهویزه قرار داشته و از سوی دیگر محدود به مرز بین المللی بود. در شمال منطقه عملیاتی، رودخانه نیسان امتداد یافته و به رودخانه کرخه کور می رسید. در شرق آن رودخانه عریض کارون قرار داشت. از سمت جنوب به اروند رود می رسید و سمت غرب آن هم هور هویزه قرار داشت. در بعضی از نقاط جبهه که رودخانه و یا موانع طبیعی وجود نداشت، مثل منطقه بین جاده اهواز- خرمشهر تا رودخانه کارون در نزدیکی های پادگان حمید و روستای سید عبود تا جبهه شمالی جنوب اهواز نیز، آب گرفتگی هایی به منظور جلوگیری از پیش روی های بیشتر دشمن، در اوایل تهاجم قوای ارتش بعثی به سمت اهواز، ایجاد شده بود که پس از عملیات فتح المبین، دشمن به منظور تقویت موانع خود، بر میزان و حجم این آبگرفتگی افزود. بنابراین در چنین شرایطی، آبگرفتگی فوق به عنوان یک مانع طبیعی بزرگ برای نیروهای دشمن به حساب می آمد و عبور از آن را برای نیروهای خودی غیرممکن می ساخت. پس عملاً یگان های دشمن در پشت این موانع طبیعی و چنین رودخانه هایی استقرار یافته و آرایش گرفته بودند. چنین شرایطی موجب شده بود تا برای حمله به مواضع دشمن، عبور از این دو مانع آبی و طبیعی، یکی از الزامات طرح ریزی عملیات باشد. با توجه به اینکه تا زمان آغاز عملیات بیت المقدس، قوای دشمن حدود ۲۰ ماه در این اراضی مستقر بودند، بنابراین زمان کافی برای احداث استحکامات و

سنگرهای مناسب و نیز ایجاد موانع مصنوعی از قبیل گسترش میدان های مین متعدد و متنوع و نیز برپایی سیم خاردارهای حلقوی و رشته ای، در اختیار یگان های دشمن قرار گرفته بود . بنابراین برای طرح ریزی عملیات، می بایستی عبور از این موانع طبیعی و مصنوعی به طور همزم ان مد نظر قرار گیرند . البته میزان موانع مصنوعی ایجاد شده از سوی دشمن در همه خطوط جبهه ها، یکسان نبود، بلکه در برخی از مواضع پدافندی مثل روبه روی اهواز و اطراف کرخه کور، دارای قوت و شدت بیشتری بود و در بعضی از جاها مثل اطراف کارون از شدت کمتری برخوردار بود. دشمن در ساحل رودخانه کرخه کور به رودخانه چسبیده بود و عرض رودخانه کارون بیش از آن بود که امکان فعالیت را در غرب آن به نیروهای خودی بدهد . زمین این منطقه عملیاتی صاف و کم عارضه بوده و به صورت دشت وسیعی است که برای واحدهای زرهی و مکانیزه دشمن، بسیار مساعد و مناسب بوده و قدرت مانور وی را افزایش می داد . از سوی دیگر این منطقه برای نیروهای خودی که عمدتاً متکی به یگان های پیاده بودند، شرایط نامساعدی را فراهم می کرد. بنابراین می توان گفت که شرایط زمین به نفع دشمن و علیه توان نیروهای خودی، عمل می کرد.

اسم گذاری عملیات

معمولاً برای انجام هر عملیاتی در دوران جنگ، اسمی برای آن انتخاب می شود. در مرحله طرح ریزی، نام این عملیات، کربلای ۳ بود ولی با شروع عملیات به اسم بیت المقدس نامگذاری شد . انتخاب این اسم، متناسب با شرایط زمانی و اهداف آن عملیات و همچنین پیش بینی نتایج آن بود. یکی از دلایل انتخاب این نام، آن بود که برای رسیدن به خط دفاعی مطمئن، ادامه عملیات تا رسیدن به ساحل شط العرب در داخل خاک عراق ضروری می نمود و رزمندگان اسلام می خواستند با انتخاب این اسم، علاقه خود را به قدس شریف نشان دهند . از سوی دیگر برخی از تحلیل گران معتقد بودند که ممکن است همزمان با انجام این عملیات، ارتش رژیم صهیونیستی به خاک کشور لبنان حمله نماید. بنابراین اسم این عملیات به گونه ای انتخاب شد که بیانگر آرمان های جمهوری اسلامی در دفاع از قدس شریف و مردم فلسطین باشد.

هشیاری و استعداد و گسترش ارتش عراق

ارتش عراق مطمئن بود که منطقه عملیاتی بعدی نیروهای ایرانی در سمت جنوب اهواز و برای آزادسازی خرمشهر است. با کمک هواپیماهای میگ ۲۵، بطور مرتب از منطقه عکسبرداری هوایی صورت می گرفت و با عملیات گشتی هوایی، شناساییهای لازم از مواضع و مراکز تجمع نیروهای خودی انجام می شد . بنابر گفته مسئولین اطلاعاتی ارتش عراق، پیگیری تحرکات نیروهای منظم یعنی ارتش ایران بسیار آسان بود زیرا لشکرها و تیپهای ارتش معمولاً از روش مشخصی و تا آنجا که می شد از خودروهای نظامی برای جابجایی استفاده می کردند و از ابزار مخابراتی و همچنین فعالیتهای ستادی بصورت گسترده ای بهره برداری به عمل می آوردند . این

در حالی بود که دستیابی به اطلاعات درباره تحرکات نیروهای سپاه پاسداران با دشواری و پیچیدگی همراه بود . زیرا این نیروها در تحرکاتشان از خودروهای غیر نظامی و دیگر وسایل استفاده می کردند . کار جابجایی با سرعت زیاد همراه بود و آمادگی یک لشکر سپاه با حدود ۵ هزار رزمنده در جبهه مستلزم اقدامات اداری زیادی نبود. ارتش عراق در موارد متعددی از طریق نیروهای ارتش و یا دیگر راههای ویژه اطلاعاتی ، اطلاعات مورد نیاز را بدست می آوردند و به سرعت می توانستند روشهای سپاه در حمله ها و محورهای عملیاتی آنها را شناسائی کنند. بخش اطلاعات ارتش عراق کانون اصلی خطر را تشخیص داده بود . نیروهای ایرانی قصد داشتند دست به عملیات عبور اصلی از منطقه هالوب در شمال دارخ وئن بزنند و آنگاه حمله خود را به طرف غرب و بسوی محور جاده خرمشهر - اهواز گسترش دهند. سپس پیشروی خود را به سمت مرزهای بین المللی ادامه دهند و محور دیگری در پشت نیروهای مدافع عراقی در شهر خرمشهر باز نمایند .^۱ تا قبل از آغاز عملیات بیت المقدس، این منطقه تحت امر سپاه سوم ارتش بعثی قرار داشته و یگان های آن به شرح ذیل در منطقه موضع گرفته بودند:

الف- لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه کور تا شهر هویزه

ب- لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سید عبود

ج- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر

د- لشکر ۱۵ پیاده در جنوب اروند رود و در ضلع جنوبی خرمشهر

علاوه بر لشکرهای فوق که در خط مقدم استقرار داشتند، لشکرهای ۳ زرهی در شمال شهر خرمشهر و ۱۲ زرهی و ۹ زرهی و ۷ پیاده و همچنین تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری به همراه ۱۵ تیپ دیگر از جمله تیپ های ۳۱، ۳۲، ۱۰۹، ۴۱۷، ۶۰۱، ۶۰۵ و... هم در اح تیاط قرار گرفته بودند . در مجموع حدود ۱۰ تیپ زرهی، ۵ تیپ مکانیزه، ۱۷ تیپ پیاده، ۷ گردان کماندویی و واحدهایی از ارتش خلقی در طی عملیات بیت المقدس، در برابر رزمندگان اسلام قرار گرفتند . البته این یگان ها به صورت همزمان در منطقه عملیاتی حضور نداشتند، بلکه به مرور و در طول زمان عملیات در جبهه های مختلف منطقه عملیاتی حضور یافته و از سوی دشمن بکارگیری شده اند. پس می توان گفت که دشمن در این منطقه در حدود ۴۱ گردان زرهی و نیز ۳۸ گردان مکانیزه که هر گردان از حدود ۳۴ دستگاه تانک یا نفربر تشکیل شده بود و نیز ۴۰ گردان پیاده و ۳۰ گردان توپخانه صحرایی، در اختیار داشته است . بنابراین حدود ۲۷۰۰ دستگاه تانک و نفربر و نزدیک به ۴۰۰۰۰ نفر نیروی پیاده و ۵۰۰ قبضه توپ از سوی دشمن در این منطقه گسترش یافته بود.

طرح مانور و مرحله بندی طرح عملیات

در طرحریزی عملیات، سه محور برای تهاجم به مواضع قوای ارتش عراق و پیشروی یگان ها بسوی اهداف

مشخص شده در نظر گرفته شده بود. با اینکه وسعت سرزمینی این عملیات بیش از دو برابر منطقه عملیاتی فتح مبین بود ولی اجرای تک، در بیش از سه محور عمده جواب نمی داد. بنابراین سه قرارگاه عملیاتی زیر نظر قرارگاه مرکزی کربلا، سازماندهی شدند. قرارگاه فتح در مرکز، قرارگاه نصر در سمت چپ قرارگاه فتح و در جنوب و قرارگاه قدس هم، مأموریت حمله از سمت شمال را برعهده داشتند. این قرارگاه ها هم از نظر نیروهای رزمی و هم از نظر ستادی، به صورت ترکیبی از نیروهای ارتش و سپاه تشکیل شده بود. همه فرماندهان و رزمندگان با هم و در کنار هم و با وحدت و انسجام کامل و به صورت یکپارچه برای هدفی واحد و مأموریتی مشترک، تلاش می کردند. قرارگاه های فتح و نصر مأموریت داشتند تا با عبور عمده قوا از رودخانه کارون در محدوده بین سلمانیه تا دارخوین، یگان های تحت امر خود را در شب اول عملیات به جاده آسفالته اهواز- خرمشهر رسانده و منطقه وسیعی در حدود وسعت شهر تهران را به کنترل خود درآورند. در واقع، تصرف یک سرپل بزرگ، در مرحله اول نبرد، ابتکار عمل مهم عملیات بیت المقدس به حساب می آمد.

در این طرح، یگان های قرارگاه قدس به عنوان تک پشتیبانی و همچنین تک فریب، حمله خود را از جنوب غربی اهواز و از مسیر جنوب سوسنگرد و با عبور از کرخه کور، برنامه ریزی کرده بودند. مأموریت اصلی قرارگاه قدس درگیر نگه داشتن لشکرهای ۵ و ۶ ارتش بعثی بود تا دو قرارگاه فتح و نصر بتوانند بدون نگرانی از برخورد با این دو لشکر، خود را به جاده اهواز- خرمشهر رسانده و به سمت مرز حرکت نمایند. به این ترتیب در طرح مانور برای هر قرارگاه و برای هر مرحله از عملیات و همچنین برای هر یک از یگان های شرکت کننده در عملیات، اهداف مشخصی، تعیین شده بود که این اهداف با توجه به عوارض زمین، به صورت وضوح قابل شناسایی بوده و امکان دسترسی به آنها وجود داشت. در طرح مانور هر عملیات مراحل در نظر گرفته می شود که به تدریج به مرحله اجرا در می آید. به دلیل گستردگی منطقه عملیات بیت المقدس، طرح مانور این عملیات در چهار مرحله به شرح ذیل برنامه ریزی شد:

مرحله اول: گرفتن یک سرپل بزرگ

در هر عملیاتی به هنگام عبور از رودخانه، باید قبل از هر چیز در ساحل دور، سرپلی را تصرف و در اختیار گرفت تا فرصتی برای نصب پل های تعجیلی فراهم شود. آنگاه پس از نصب پل ها و تکمیل عملیات مهندسی مربوطه و بقراری مسیر مواصلاتی، می توان این سرپل را گسترش و توسعه داد. با انتخاب طرح عبور از رودخانه کارون به عنوان محور تلاش اصلی، مسئله مهم و مورد بحث، وسعت و اندازه سرپلی بود که باید در مرحله اول از سوی رزمندگان اسلام تصرف شود. موضوع وسعت سرپل و میزان بزرگی و کوچکی آن، بسیار بحث برانگیز و مناقشه زا بود. برخی بر این عقیده بودند که بایستی در عبور از رودخانه و در مرحله اول سرپل کوچکی را به تصرف در آورد، زیرا نیروهای رزمی نمی توانند در یک شب، یک خیز بلند بر داشته و پس از عبور از رودخانه

کارون، به یکباره بین ۱۳ تا ۲۰ کیلومتر را پیاده روی کرده و خود را به جاده اسفالته اهواز - خرمشهر برسانند. برخی دیگر بر این عقیده بودند که بایستی یک سرپل وسیع و بزرگ و سرزمینی به وسعت حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع، در همان شب اول به تصرف رزمندگان درآید. زیرا اگر چنین اتفاقی نیفتد، دشمن می تواند با پاتکهای تعجیلی، سرپل کوچک را دوباره تصرف نموده و رزمندگان اسلام را به شرق رودخانه کارون، عقب براند و کل عملیات را ناکام بگذارد. از سوی دیگر، دشمن خاکریز بلندی را در کنار جاده اهواز - خرمشهر به منظور مخفی ماندن تردهای وی و نیز به عنوان رده اصلی خط دفاعی خود ایجاد کرده بود که تصرف آن، می توانست یک آرایش دفاعی مناسب و جان پناه طبیعی را برای قوای ایرانی بوجود آورد. ارتفاع این خاکریز از کنار جاده اسفالته، حدود ۲ متر و از سمت نیروهای خودی حدود ۴ متر برآورد می شد که چسبیدن به آن نیاز به اقدامات مهندسی را برای احداث خاکریز تعجیلی دفاعی، در شب اول عملیات منتفی می کرد. ^{۱۱} از سوی دیگر گرفتن این سرپل، فضای کافی و وسعت لازم برای استقرار استعدادی در حدود ۵ لشکر سپاه و ارتش را فراهم می نمود. همچنین آسیب پذیری یگانها و رزمندگان عمل کننده در مقابل آتشهای سنگین دشمن به سبب وجود فضای کافی برای گسترش و تفرقه واحدها، کاهش می یافت و آتش توپخانه دور برد ارتش عراق از روی پلها و مناطق عبور یگانهای عمل کننده، قطع می شد. دشمن در انتخاب محل مناسب برای اجرای پاتک های خود، دچار تردید و سردرگمی می گردید. با رسیدن یگان های خودی به جاده اهواز - خرمشهر، آنها به هدف های مرحله بعدی عملیات، یعنی خط مرزی و خرمشهر نزدیک تر می شدند. همچنین با استقرار یگان های توپخانه خودی در سرپل تصرف شده، امکان پشتیبانی آتش برای رزمندگان درگیر عملیات، فراهم می آمد. بنابراین با توجه به نکات فوق، قرار بر این شد تا محور تلاش اصلی، عبور از رودخانه کارون قرار گیرد و دو سوم نیروهای تعیین شده برای اجرای عملیات بیت المقدس در همان شب اول از رودخانه کارون عبور نمایند و خود را به جاده آسفالته اهواز - خرمشهر برسانند و سرپل بزرگی در حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع به تصرف خود درآورند. این سرپل بایستی توسط یگان های قرارگاه های فتح و نصر به عنوان تلاش اصلی تصرف شده و یگان های عمل کننده خود را به جاده اهواز - خرمشهر می رساندند. از سوی دیگر خاکریز های خط اول یگان های ارتش عراق در کنار کرخه کور می بایستی از سوی یگان های قرارگاه قدس به عنوان تلاش پشتیبانی، اشغال می شد.

مرحله دوم: حرکت به سوی مرز

در این مرحله پیش بینی شده بود تا نوار مرزی توسط یگان های قرارگاه های فتح و نصر تصرف شده و خرمشهر از مسیر جاده اصلی و از سمت شمال غربی آن شهر محاصره گردد. سپس اقدام لازم برای آزاد سازی خرمشهر صورت گرفته و محدوده جفیر - حمید نیز توسط یگان های قرارگاه قدس تأمین شود.

مرحله سوم: عبور از مرز

در این مرحله پیش بینی شده بود تا یگان‌ها از خط مرزی عبور کرده و خود را به عارضه‌ی طبیعی اروند رود رسانده و ساحل شمالی شط العرب را تصرف نمایند تا بتوانند بخوبی از منطقه پدافند نمایند.

مرحله چهارم: پدافند

در این مرحله با پدافند یگان‌ها در امتداد ساحل شرقی رودخانه شط العرب به عنوان یک مانع طبیعی، عملیات پایان می‌یافت. البته امام خمینی با عبور از مرز و رفتن به داخل خاک عراق، موافق نبودند و عملاً این مرحله از عملیات به دلیل نداشتن نیروی کافی به اجرا در نیامد.

سازمان و استعداد خودی

در این عملیات قرارگاه مرکزی کربلا، با فرماندهی مشترک فرمانده کل سپاه برادر محسن رضایی و فرمانده نیروی زمینی ارتش سرهنگ صیاد شیرازی، هدایت عملیات را با سه قرارگاه اصلی و یک قرارگاه پشتیبانی بر عهده گرفت. محل این قرارگاه در روستای خضریه در نزدیکی دارخوین در حوالی رودخانه کارون قرار داشت. در آن زمان مردم در این منطقه به کار کشاورزی مشغول بوده و در روستاهای خود حضور داشتند. قرارگاه‌های فتح و نصر با عبور از رودخانه کارون مأموریت تلاش اصلی را برعهده گرفتند و قرارگاه قدس به عنوان تلاش پشتیبانی مأموریت حمله از جبهه شمالی را عهده دار شد. استعداد هر قرارگاه به شرح ذیل بود:

الف- قرارگاه فتح با فرماندهی برادر غلامعلی رشید از سپاه و سرهنگ ستاد مسعود منفرد نیایکی فرمانده لشکر ۹۲ زرهی ارتش در محور میانی منطقه عملیاتی فعال گردید. استعداد این قرارگاه عبارت بود از: تیپ ۱۴ امام حسین (ع) به فرماندهی برادر حسین خرازی، تیپ ۸ نجف اشرف به فرماندهی برادر احمد کاظمی و تیپ ۲۵ کربلا به فرماندهی برادر مرتضی قربانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و لشکر ۹۲ زرهی اهواز، تیپ ۳۷ زرهی شیراز و تیپ ۵۵ هوابرد از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

ب- قرارگاه نصر به فرماندهی سرهنگ حسنی سعدی فرمانده لشکر ۲۱ حمزه از ارتش و برادر حسن باقری از سپاه در محور جنوبی منطقه عملیاتی فعال گردید. استعداد این قرارگاه عبارت بود از: تیپ‌های ۲۷ محمد رسول الله (ص) به فرماندهی برادر احمد متوسلیانی، ۷ ولیعصر (ع) به فرماندهی برادر عبدالمحمد رئوفی، ۴۶ فجر و ۲۲ بدر از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۲۳ نوه‌د از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

ج- قرارگاه قدس به فرماندهی سرهنگ زرهی ستاد سیروس لطفی فرمانده لشکر ۱۶ زرهی ارتش و برادر احمد غلام پور از سپاه در محور شمالی منطقه عملیاتی فعال گردید. استعداد این قرارگاه عبارت بود از: تیپ‌های ۳۱ عاشورا، ۴۱ ثارالله به فرماندهی برادر قاسم سلیمانی، ۳۷ نور به فرماندهی برادر علی هاشمی، ۲۱ امام رضا (ع) و بیت المقدس از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و لشکر ۱۶ زرهی قزوین و تیپ ۵۸ ذوالفقار از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در هماهنگی با هم وارد عمل می‌شدند.

در این عملیات ۱۴ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از سپاه که هر کدام استعداد یک لشکر را داشتند در مجموع با ۱۲۰ گردان و ۳ لشکر و ۵ تیپ از ارتش شامل ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۳۶ گردان پیاده شرکت کردند که با ۲۶ فروند بالگرد جنگی کبری و ۳۲ فروند بالگرد ترابری ۲۱۴ و ۱۶ فروند بالگرد نفربر شینوک و ۲۲ فروند بالگرد ۲۰۶ پشتیبانی می شدند. لازم به ذکر است که هر تیپ سپاه بالغ بر ۸ تا ۹ گردان بود و هر گردان زرهی ارتش هم بین ۱۷ تا ۲۰ دستگاه تانک و نفربر در اختیار داشت. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز با پرواز ۲۰ نوبت هواپیمای جنگی در روز اول و ۶ پرواز در روزهای بعد و همچنین استقرار سامانه پدافند هوایی، از عملیات، پشتیبانی می نمود. نیروی هوایی جمعاً ۲۱۶۱ سورتی پرواز داشته است. همچنین این عملیات با ۲۹ گردان توپخانه صحرائی ارتش، پشتیبانی شده است. لازم به ذکر است که گردان های ارتش که وظایف پشتیبانی رزمندگان خود را نیز بر عهده داشتند با حدود ۱۰۰۰ نفر سازماندهی می شدند، در حالی که گردان های سپاه دارای ۳۰۰ رزمنده بوده که وظایف پشتیبانی از آنها بر عهده ی ستاد تیپ، بوده است. رزمندگان جهاد سازندگی هم با حدود ۱۰۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی و سایر امکانات و کمک ها در عملیات حضور فعالی داشتند. در این عملیات، سه گردان مهندسی رزمی ارتش و ی ک گروه مهندسی و یک گردان پل شناور و یک گروهان پل جی - اس - پی ارتش، عملیات عبور از رودخانه را پشتیبانی کرده اند. در مجموع ارتش در این عملیات، دارای ۶۳ دستگاه ماشین آلات مهندسی و سپاه نیز دارای ۶۰ دستگاه بود. کار احداث ۵ پل pMp بر روی رودخانه کارون در شب اول عملیات نیز بر عهده نیروی زمینی ارتش، قرار گرفته بود.

عوامل غافلگیری ارتش عراق

با پایان یافتن عملیات فتح مبین، تنها منطقه مهم اشغالی باقی مانده از کشور در استان خوزستان، سرزمین های جنوب اهواز تا خرمشهر بود که بایستی از چنگال ارتش بعثی خارج می شد. بنابراین برای ارتش عراق مشخص بود که منطقه بعدی عملیات رزمندگان اسلام، آزاد سازی سایر سرزمینهای اشغالی در استان خوزستان است. پس می توان گفت که ارتش عراق تا حدود زیادی از مکان جغرافیایی عملیات بیت المقدس آگاه بود، اما نسبت به کلیه محورهای عملیاتی توجیه نبود. چهار عامل باعث غافلگیری بیشتر ارتش عراق و کاهش میزان هوشیاری وی نسبت به وسعت و شدت عملیات بیت المقدس به شرح ذیل شد:

الف - تاکتیک عملیات

از آنجا که همزمان با علمیات فتح مبین، شناسائی های لازم از منطقه عملیات به ویژه فضای بین رودخانه کارون و جاده اهواز - خرمشهر صورت گرفته و این منطقه به عنوان ضعیف ترین مواضع دشمن ارزیابی گردیده بود بنابراین تهاجم به نقطه ضعف دشمن و حمله به جناح قوای بعثی مستقر در منطقه عملیاتی، از طریق عبور از رودخانه کارون، خلاف تصور دشمن بود. زیرا تجربیات قبلی و تفکر کلاسیک دشمن و همچنین ناآگاهی از

وجود امکانات وسیع عبور از رودخانه، موجب شده بود تا دشمن جهت تلاش اصلی تهاجم قوای ایران را از سمت اهواز و محور شمالی جبهه، تشخیص دهد. بنابراین " غافلگیری در تاکتیک"، از ویژگی های عملیات بیت المقدس، به شمار می رود.

ب- وسعت عملیات

گرچه دشمن اطلاعات کلی از منطقه عملیات داشت، ولی شاید ارتش عراق تصور نمی کرد که ایران در طرح عملیاتی خود، به یکباره بخواهد همه سرزمینهای اشغالی باقی مانده بین شهرهای اهواز و خرمشهر را به تصرف خویش درآورد. زیرا وسعت این منطقه حدود ۳۰ برابر مساحت منطقه عملیاتی ثامن الائمه و حدود ۱۰ برابر وسعت منطقه عملیاتی طریق القدس و حدود ۲ برابر منطقه عملیاتی فتح المبین بود. احتمالاً دشمن فکر می کرد که ایران برای تصرف این منطقه به انجام ۲ عملیات بزرگ نیاز دارد. عملیاتی در منطقه خرمشهر به منظور آزادی این شهر و یک عملیات دیگر در دشت های جنوب شهرهای اهواز و هویزه به منظور آزاد سازی سرزمین های ایران تا پادگان حمید و همچنین توسعه عملیات در منطقه جفیر به منظور رسیدن به مرز بین المللی و تأمین سرزمین های ایران تا کوشک و طلائی.

ج- زمان و سرعت عملیات

ارتش عراق احساس می کرد که فاصله زمانی بیشتری بایستی بین آخرین عملیات ایران تا حمله به این منطقه، وجود داشته باشد، زیرا یگان های شرکت کننده در عملیات فتح مبین، هم نیاز به بازسازی و هم نیاز به استراحت و تجدید قوا داشتند. از سوی دیگر استعداد بیشتری برای این عملیات بایستی فراهم می گردید و یگانهای بیشتری بایستی برای انجام این عملیات پای کار می آمدند. اقدام برای تشکیل یگانهای جدید و یا آزاد کردن سایر لشکرها از خطوط پدافندی نیاز به مدت زمان بیشتری داشت. با سرعت بخشیدن در انجام فعالیت یگان ها برای کسب آمادگی عملیات، در واقع سرعت عمل رزمندگان اسلام، فرصت زمانی لازم را از دشمن برای کسب هوشیاری بیشتر و آمادگی های اساسی تر، گرفت. باید توجه داشت که ارتش بعثی توانسته بود رده های متعدد پدافندی پیرامونی از خرمشهر و نیز خطوط اول دفاعی خود در کنار کرخه کور و همچنین اطراف جاده اهواز خرمشهر را به گونه ای مستحکم نماید که در هنگام آغاز عملیات، یگان های قرارگاه های قدس و نصر نتوانسته موفقیت های چندانی کسب نمایند. ولی عقب ماندگی ارتش عراق در تشکیل خط پدافندی مستحکم در ساحل رودخانه کارون، موجب شد تا یگان های قرارگاه فتح با عبور از رودخانه کارون به موفقیت بزرگی دست یافته و موازنه و تعادل دشمن را بر هم بزنند.

د- رعایت اصول حفاظتی

رزمندگان اسلام به منظور بر نیانگیختن حساسیت دشمن، هرگونه تحرک و جابجایی و نقل و انتقالات تجهیزات

و امکانات خود را در حاشیه رودخانه کارون با محاسبه دقیق و با حساسیت های ویژه ای دنبال می کردند تا میزان فعالیت های آنها موجب هوشیاری و حساسیت دشمن نگردد . در این زمان شناسایی ها در رده های فرماندهی کنترل می گردید . رعایت نکات حفاظتی در منطقه عملیات به گونه ای بود که وقتی حسین خرازی فرمانده تیپ امام حسین^(ع) و سرهنگ موسوی قوبدل معاون عملیاتی قرارگاه کربلای ارتش بدون هماهنگی قبلی می خواستند ساحل رودخانه کارون را شناسائی نمایند، بسیجی کنترل کننده آن محور مانع عبور آنها شد . وقتی که آنها مدارک لازم را ارائه دادند توانستند به مأموریت خود ادامه دهند . از سوی دیگر برای ساحل سازی و انتقال پل های شناور به کنار رودخانه کارون، از پوشش گیاهی اطراف ساحل، به خوبی بهره بردند . بنابراین می توان گفت گرچه دشمن آمادگی لازم برای مقابله با این عملیات را در خود ایجاد کرده بود و هوشیاری لازم را نیز بدست آورده بود، ولی با این حال در ارزیابی تاکتیک رزمندگان اسلام و نیز وسعت طرح آنها برای حمله به قوای دشمن و نیز زمان دقیق آن، دچار غافلگیری اساسی شد.

هـ- تهیه طرح فریب

فعال نگه داشتن شناسایی ها و یگان های عملیاتی در منطقه چنانچه و فکه و نیز طرح ریزی عملیات بر روی ارتفاع ۱۸۲، نیز به عنوان یکی از " طرح های بهشش و فریب تاکتیکی " و نیز یکی از اقدامات مورد نیاز برای غافلگیر کردن دشمن در نظر گرفته شده بود . به موازات طرح ریزی برای عملیات بیت المقدس، به قرارگاه فجر که مأموریت پدافند از منطقه عملیاتی فتح مبین در چنانچه و فکه را برعهده داشت، انجام عملیات محدود به منظور ر حمله به ارتفاع ۱۸۲ در جنوب محور برغازه واگذار شد . فرماندهی این قرارگاه مشترک را از سوی نیروی زمینی ارتش، سرهنگ ازگمی و از سوی سپاه برادر مجید بقایی برعهده داشتند. این قرارگاه بایستی قبل از آغاز عملیات بیت المقدس، هدف خود را تصرف و تأمین می کرد . این عملیات به منظور فریب دشمن طرح ریزی گردیده بود به گونه ای که دشمن احساس نماید عملیات اصلی رزمندگان اسلام، در محور فکه خواهد بود . البته این اقدام می توانست بخشی از نیروهای دشمن در این منطقه را، درگیر نگه داشته و از اعزام فوری آنها به منطقه عملیاتی بیت المقدس جلوگیری نماید.

شرح عملیات

از اوایل تاریکی هوا در غروب روز پنجشنبه ۹ اردیبهشت سال ۱۳۶۱، نیروهای رزمنده از یگان های تحت امر قرارگاه های فتح و نصر، آرام آرام در نقاطی که واحدهای دشمن در آن حضور نداشت، از رودخانه کارون عبور کرده و منتظر دستور آغاز عملیات شدند . عملیات بیت المقدس در ساعت ۱۲:۳۰ شب و در اوایل بامداد روز جمعه ۱۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ با رمز یا علی ابن ابی طالب^(ع) آغاز شد. از آنجا که این ایام مصادف با ماه رجب و همزمان با روز مبارک تولد امام علی^(ع) در هفدهم اردیبهشت ماه بود، به اسم ایشان به عنوان رمز

عملیات، جهت موفقیت بیشتر رزمندگان اسلام، تمسک جسته شد. در لحظه شروع عملیات آیت الله شهید صدوقی امام جمعه یزد و مرحوم آیت الله علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری و مرحوم فخرالدین حجازی نماینده اول مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، به منظور تقویت روحیه رزمندگان اسلام در قرارگاه مرکزی کربلا حضور یافته بودند. در لحظات شروع عملیات، بسیاری از فرماندهان، احساس شرایط دشواری را داشتند زیرا دشمن به لحاظ تجهیزات و نفرات هیچ کمبودی نداشت. برخی از فرماندهان در ساعات آغازین عملیات، آنچنان افکارشان غرق در وضعیت و پیش آمدهای رزمندگان و چگونگی ارتباط کنترل نیروها بودند که به چیز دیگری توجه نداشتند و اگر کسی به آنها سلام می کرد، متوجه نمی شدند. نگرانی از عبور هزاران رزمنده از رودخانه کارون و چگونگی رویاروی آنها با قوای دشمن بدون داشتن عقبه مناسب و جاده تدارکاتی، بر این اضطراب می افزود. اما همه بر نصرت الهی تکیه داشتند و از قدرت انگیزه رزمندگان و فرماندهان شجاع، با ایمان و با صلابت خود که با روح بزرگی به سمت مواضع دشمن حرکت می کردند، اطمینان داشتند. از سوی دیگر توکل بر خداوند بزرگ و مطالعه فراوان و تفکر زیاد درباره این عملیات و شناسایی های دقیق و عمیق چند ماهه از وضعیت دشمن و بحث های متنوع و چالش برانگیز درباره طرح های عملیاتی مختلف و همچنین وعده ای که با توفیق به قرآن مجید در آغاز عملیات فتح المبین مبنی بر اخذ غنائم دیگری از دشمن، ایجاد شده بود، یک نوع امیدواری به نتایج این عملیات در اذهان فرماندهان پدید آورده بود.

نصب پل های تاکتیکی بر روی کارون

بر اساس طرح مانور پیش بینی شده، می بایستی دو سوم کل نیروهای برآورد شده برای این عملیات، از رودخانه سرکش و عریض عبور نمایند. این یک خطر پذیری بزرگ برای تصمیم گیرندگان بود ولی در عین حال یک نوآوری و یک ابتکار عمل مهم و تعیین کننده نیز بود. چگونگی عبور یگان ها از رودخانه کارون، بحث های زیادی را بدنبال آورد، زیرا در همان شب اول می بایستی استعدادی حدود ۵ لشکر از این رودخانه عبور می کرد که نیاز به حداقل ۵ پل داشت. در آن زمان نیروی زمینی ارتش، دارای ۱۲۰۰ متر سطحه پل تاکتیکی pMp بود که می توانست برای نصب پنج پل بر روی رودخانه کارون، مورد استفاده قرار گیرد. البته اکثر این سطحه ها نیاز به آماده سازی، ترمیم و بازسازی داشت. پل های pMp در شرایط مناسب و با سرعت معینی از جریان آب رودخانه، می توانند در رودخانه ای با عرض حداکثر ۲۲۷ متر طول، روانه شود. در آن زمان افسر مهندسی قرارگاه مشترک کربلا، سرهنگ مهندس ستاد جلال رجیبی راد بود و سرهنگ غلامعلی جانگداز نیز معاون وی بود که تلاش زیادی را برای انتقال این پل ها از دزفول به روستای دارخوین در کنار رودخانه کارون، انجام داد. این پل ها ساخت کشور شوروی سابق بوده و تجانسی با شرایط رودخانه کارون نداشت زیرا عرض رودخانه کارون در برخی مناطق مانند دارخوین به ۲۶۰ متر می رسید و سرعت جریان آب در کارون هم، دو برابر سرعت

طراحی شده برای استفاده از این پل ها بود. به هر حال این پل ها با کمک ۳۰۰ خودروی غول پیکر کراس و با استفاده از تاریکی شب و با رعایت مسائل حفاظتی از فاصله ۲۵۰ کیلومتری به منطقه عمومی دارخوین، منتقل شد تمام تلاش ها و اراده مسئولین مهندسی برای نصب ۵ پل بر روی رودخانه کارون متمرکز گردید ولی با این حال، محدودیت امکانات مهندسی و کمبود پل های آماده به کار، موجب گردید که در شب اول، استفاده از ۳ پل نصب شده بر روی رودخانه کارون میسر گردد. لازم به ذکر است که در طول حدود سی روز که این پل ها بر روی رودخانه کارون نصب شده بود، ده بار از سوی هواپیماهای ارتش بعثی، مورد حمله هوایی قرار گرفتند که فقط یک سطح پل در تهاجمات هوایی آسیب دید زیرا به منظور در امان ماندن پل ها در برابر حمله نیروی هوایی دشمن، همه این پل ها در طول روز باز شده و در کنار ساحل دور و نزدیک کارون، نگه داری می شدند. به محض تاریکی هوا و عدم توانایی پرواز هواپیماهای دشمن در شب، مجدداً این پل ها روانه می گردید.

تصرف سرپل بزرگ

دو قرارگاه فتح و نصر برای تأمین اهداف خود و گرفتن سرپل، ضرورتاً می بایستی از رودخانه کارون عبور نموده و در همان خیز اول با طی مسافتی در حدود ۱۳ تا ۲۰ کیلومتر به صورت پیاده، خود را به جاده اهواز-خرمشهر می رساندند زیرا در حد فاصل حاشیه رودخانه کارون تا جاده آس فالتی هیچ گونه عارضه ی طبیعی برجسته ای وجود نداشت. البته دشمن با حساس شدن نسبت به چگونگی پدافند از این منطقه، خاکریزهای منقطع جدیدی را در هفت کیلومتری از رودخانه کارون احداث کرده بود تا به عنوان یک خط دفاعی از آن استفاده نماید. ولی هنوز کار تقویت مواضع در این ناحیه به پایان نرسیده بود. بنابراین در صورت هوشیاری دشمن و یا عدم استقرار در مواضع مناسب، قبل از روشن شدن هوا، رزمندگان اسلام مواجه با پاتک های تعجیلی دشمن شده و لزوماً می بایستی تا شرق رودخانه کارون عقب نشینی نمایند. در شب اول حدود ۴۰ هزار رزمنده با بیش از ۲ هزار خودروی سبک و سنگین و تانک و نفربر، با عبور از پل احداث شده بر روی رودخانه کارون، نبرد بزرگ خود را آغاز کردند.

در محور قرارگاه فتح، برخی از گردان های یگان های خودی ضمن عبور از رودخانه کارون، به سرعت و با حدود ۲۰ کیلومتر پیاده روی، خود را به بخ شی از جاده اهواز-خرمشهر رسانده و در پشت خاکریز آن موضع گرفته و به ایجاد موانع جدید و جلوگیری از تحرکات دشمن بر روی این جاده پرداختند. در طرح مانور، پیش بینی شده بود که برخی از گردان ها با پرهیز از درگیری با نیروهای ارتش بعثی خود را به سرعت به جاده اهواز-خرمشهر برسانند. زیرا درگیری با واحدهای مستقر در منطقه، موجب کندی در حرکت نیروها به سمت هدف مورد نظر و نیز از هم پاشیدگی و پراکندگی آنها گردیده و موجب به هم خوردن سازمان آنها می شد. نیروهای دشمن وقتی احساس می کردند که عقبه آنها بسته شده و رزمندگان اسلام در پشت سر آنها قرار دارند،

خود را سریع تر تسلیم می کردند و از درگیری های بیشتر، پرهیز می شد.

در محور قرارگاه نصر، به دلیل تأخیر در حرکت نیروها و وجود باتلاق در کنار جاده اهواز- خرمشهر و همچنین تمرکز قوای دشمن در شمال خرمشهر، برخی از یگان های آن قرارگاه نتوانستند در شب اول به اهداف مورد نظر خود دست یافته و بر روی جاده آسفالته اهواز- خرمشهر با قرارگاه فتح الحاق نمایند. البته دو گردان از نیروهای لشکر ۷ ولیعصر که در کنار لشکر ۸ نجف به پیش روی خود ادامه می دادند، توانستند در همان شب و تا قبل از روشن شدن هوا، خود را به جاده رسانده و مسیر تردد خودروهای ارتش بعثی را مسدود نمایند. در همان روز اول عملیات در این منطقه حدود ۳ هزار نفر از نظامیان دشمن اسیر گردیدند. iii

در محور قرارگاه قدس به دلیل وجود استحکامات متعدد و آرایش دشمن در کنار ساحل رودخانه کرخه کور و نیز هوشیاری بیشتر دشمن، تنها رزمندگان تیپ ۴۱ ثارالله از سپاه و تیپ ۵۸ ذوالفقار به فرماندهی شهید سرتیپ علییاری که به صورت ادغامی عمل می کردند، موفق شدند از رودخانه کرخه عبور کرده و خط اول دشمن را بشکنند و سرپل کوچکی را در جنوب کرخه کور به تصرف خود درآوردند. این تیپ ادغامی قدس ۴ نام داشت.

وجود موانع و استحکامات فراوان دشمن در منطقه هویزه به طرف دُبّ حردان، مانع ادامه پیشروی نیروها و موجب وارد آمدن تلفات به آنان شد به گونه ای که فقط در نزدیکی هویزه، دشمن توانست با به رگبار بستن رزمندگانی که در این کانال مشغول پیش روی به سمت مواضع دشمن بودند، حدود یکصد نفر آنان را در کنار یکدیگر به شهادت برسانند. تیپ بیت المقدس نیز که تحت عنوان قدس ۵ در عملیات شرکت کرده بود، توانست در منطقه نورد، سرپل کوچکی را تصرف نماید که تا روز ۶۱/۲/۱۱ آن را حفظ نمود.

به هر حال به علت رده های پدافندی پی در پی و طولانی بودن عمق عملیات، و به منظور جلوگیری از افزایش تلفات نیروهای خودی و با توجه به اصلی نبودن تک در محور قرارگاه قدس، ادامه تک از محور شمالی و در امتداد رودخانه های کرخه کور و نیسان، متوقف گردید. ولی به هر حال تهاجم از این محور، موجب زمین گیر شدن و درگیر ماندن یگان های دشمن در محور شمالی منطقه عملیاتی گردید. در نبردهای قرارگاه قدس با یگان های دشمن حدود ۳۰۰ نفر از رزمندگان اسلام به شهادت رسیده و تعداد بیشتری نیز زخمی گردیدند. در چنین شرایطی، دشمن ابتدا سعی کرد تا رخنه ایجاد شده در مواضع شمالی خود را که از سوی قرارگاه قدس ایجاد شده بود، ترمیم نموده و سپس نیروهای قرارگاه فتح را به عقب براند. بنابراین با توجه به درکی که دشمن از سمت تلاش اصلی تک داشت، تمام همت خود را بر سد کردن عبور رزمندگان اسلام از کرخه کور قرار داد. در عین حال شب دوم عملیات، تیپ ۱۰ زرهی ارتش بعثی که یکی از قوی ترین یگان های دشمن بود به نیروهای قرارگاه نصر پاتک خود را آغاز نمود و سعی کرد تا از استقرار قوای ایرانی بر روی جاده اهواز- خرمشهر جلوگیری نماید. چند دستگاه از تانک های این تیپ، خود را به جاده آسفالته رساندند که با تکبیر همزمان

رزمندگان اسلام و نبرد جانانه آنها، تهاجم این تیپ ناکام ماند در همین حال، دشمن سعی کرد تا فشار زیادی را بر روی یگان های قرارگاه نصر وارد آورد و با انهدام آنها و تصرف مواضع خودی، موفقیت قرارگاه فتح را نیز ناکام بگذارد. به موازات این اقدامات، دشمن برخی از یگان های رزمی خود را از مناطق جبهه های غربی و سایر جبهه ها وارد منطقه عملیاتی بیت المقدس کرد تا بتواند با قدرت بیشتری به عقب راندن رزمندگان اسلام بپردازد. سرعت عمل رزمندگان اسلام در مرحله اول عملیات و ادامه حملات از شب دوم به بعد موجب شد تا اهداف باقی مانده از قرارگاه های فتح و نصر نیز ظرف یک هفته به تصرف درآمده و سرانجام جاده اهواز - خرمشهر از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ به طول ۳۵ کیلومتر به طور کامل به تصرف قوای اسلام درآید و سرپلی حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع در اختیار رزمندگان اسلام قرار گیرد. در این مرحله حدود سه هزار نفر از نظامیان بعثی به اسارت درآمدند.

عملیات در فکه

در همین ایام، قرارگاه فجر در منطقه عملیاتی فتح مبین، با تأخیر چند روزه، در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۶، عملیات خود را برای انجام یک تک محدود به منظور تصرف ارتفاع ۱۸۲ در محور برغازه در جبهه فکه آغاز کرد. در ابتدا سپاه و ارتش نتوانستند طرح عملیات مشترک را به اجرا در آورند. ابتدا نیروهای لشکر ۷۷ از ارتش به صورت جداگانه عمل کردند که نیروهای تک ور در مسیر حرکت خود به میدان های مین و شبکه های سیم های خاردار برخورد کرده و از پیشروی بازماندند. دو روز بعد نیروهای سپاه به صورت جداگانه طرح خود را به اجرا درآوردند که آنها هم نتوانستند به موفقیت برسند. بالاخره پس از سه روز، عملیات مشترک جدیدی از سوی ۷ گردان از نیروهای تیپ های ۱۷ قم و المهدی از سپاه و ۲ گردان از لشکر ۷۷ از ارتش در اوایل بامداد روز شنبه ۱۱ اردیبهشت، در محور فکه آغاز شد. در این عملیات رزمندگان فداکار، توانستند ارتفاع ۱۸۲ را تصرف کرده و حدود ۷۰۰ نظامی بعثی را به اسارت درآوردند. این عملیات تا تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۶ ادامه و تکمیل شد و حدود ۹۰ تانک و نفربر هم به غنیمت گرفته شد.^{۱۷} این موفقیت برای درگیر نگه داشتن لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش بعثی در منطقه فکه، اقدام مناسبی بود.

حمله به هواپیمای غیر نظامی

ارتش عراق همزمان با عملیات بیت المقدس و درگیری در جبهه ها، اقدامات دیگری را نیز در فضای خارج از میدان جنگ انجام داد و سعی کرد تا حوزه جنگ را از محدوده مناطق جبهه، خارج نموده و آن را گسترش دهد. از جمله در روز دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ دو جنگنده میگ ارتش بعثی به هواپیمای اختصاصی حامل بن یحیی وزیر امور خارجه الجزایر و همراهان وی که از ترکیه عازم تهران بود به محض ورود به آسمان ایران، در فضای استان آذربایجان غربی، حمله و آن را سرنگون کردند. در این حمله تمام سرنشینان هواپیما که ۱۴ نفر

بودند کشته شدند.^v در این زمان روابط ایران و الجزایر، دوستانه بود و صدام حسین با این اقدام می خواست نشان دهد که آسمان ایران برای سفر مقامات خارجی به تهران، امن نیست. علیرغم کشته شدن مسئولین کشور الجزایر، مقامات دولت آن کشور، واکنشی نسبت به عراق نشان ندادند. الجزایر در دوران جنگ بی طرف بود ولی بن یحیی در کنفرانسی در کویت و در آلمان از جمهوری اسلامی دفاع کرده بود و صدام او را مانع جهت گیری سیاسی دولت الجزایر به نفع عراق در جنگ می دانست.^{vi}

حرکت به سمت مرز

مرحله دوم، یک هفته بعد در ساعت ۲۲:۱۵ روز ۱۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ آغاز شد. در این مرحله قوار بود که یگان های قرارگاه نصر از مسیر جاده اهواز- خرمشهر به سمت جنوب تک کرده و خرمشهر را آزاد نمایند. ولی با بررسی های به عمل آمده و شناسایی های انجام شده و نیز مطالعه بر روی عکس های هوایی مشخص شد که ارتش بعثی رده های پدافندی هفت گانه ای را در شمال خرمشهر ایجاد کرده و در مدخل خرمشهر با انداختن آب یک فضای آبگرفتگی بوجود آورده که مانع پیش روی به سمت آن شهر است. انجام یک حمله آزمایشی در این محور نیز نشان داد که پیش روی در این مسیر کند و همراه با تلفات زیاد خواهد بود. قابلیت انعطاف در مانور، یکی از عوامل موفقیت در این عملیات بوده است. عدم اجرای طرح پیش بینی شده برای مرحله دوم موجب شد تا دشمن فریب خورده و تانکهای خود را از دست بدهد.

به هر حال با تغییر طرح عملیاتی، مأموریت قرارگاه نصر نیز پیشروی از سمت غرب به سوی منطقه مرزی و همراه با قرارگاه فتح، تعیین شد. این منطقه مرزی حدود دو تا سه کیلومتر با دژ عراق فاصله داشت. پس از گذشت یک هفته از آغاز عملیات، ارتش بعثی، امکانات و نیروی رزمی فراوانی را بین مرز بین المللی تا جاده اهواز- خرمشهر مستقر نمود. با هجوم رزمندگان اسلام برای حرکت به سوی منطقه مرزی، آنها با انبوهی از تانک ها، نفربرها و آتش توپخانه و واحدهای پیاده دشمن روبه رو شدند. نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعات اولیه، خود را به دژ مرزی رساندند ولی یگان های قرارگاه نصر دچار تأخیر شده و نتوانستند با یگان های قرارگاه فتح الحاق نمایند و در امتداد جاده دژها مستقر شدند، زیرا آنها جاده دژها را با خاک ریز مرزی اشتباهی تشخیص داده بودند. در این شرایط قرارگاه نصر با بحران عجیبی گرفتار شد. دشمن از سمت جنوب و از منطقه شلمچه به مواضع یگان های قرارگاه نصر، در سمت شمال جبهه خود، پاتک کرد و بخش زیادی از مواضع تصرف شده قرارگاه نصر را، باز پس گرفت. در این شرایط بحرانی، همه فرماندهان قرارگاه های کربلا و فتح در سنگر فرماندهی قرارگاه نصر جمع شدند تا بتوانند چاره ای بیندیشند. ارتش عراق به رزمندگان تیپ های ۲۷ محمد رسول الله (ص) و ۷ ولیعصر و لشکر ۲۱ حمزه با تمام قدرت، پاتک کرده بود. صدای رگبار گلوله ها، انفجار توپ ها و شلیک آر پی جی ها در همه جا شنیده می شد. حاج احمد متوسلیان فرمانده تیپ محمد رسول الله (ص)

برای نشان دادن وضعیت دشوار و بحرانی، شاسی بیسیم خود را فشار داده بود و به فرمانده سپاه می گفت : گوش کن بین چه خبر است. همه فرماندهان و مسئولین تیپ، از جمله حاج همت و محمود شهبازی دارند با دشمن می جنگند. فقط من در کنار بیسیم مانده ام. آنقدر درگیری ها نزدیک شده بود که رزمندگان اسلام با نفرات ارتش بعضی قاطی شده بودند در این هنگام یک بسیجی دلاور توانست با پرتاب نارنجکی به داخل نفربر فرمانده تیپ ۲۴ مکانیزه ارتش بعضی، وی را اسیر نماید که البته او پس از چند ساعت به دلیل جراحات وارده بر اثر پرتاب نارنجک، کشته شد. تیپ نجف اشرف مجبور شد علاوه بر آرایش به سمت غرب، به منظور مقابله با حملات دشمن به سمت جنوب نیز موضع بگیرد. رزمندگان جهاد سازندگی یک خاگری ز عصا شکل برای تیپ نجف اشرف احداث کردند و رزمندگان پشت آن مستقر گردیده و بسیجیان با آر پی جی و یک برادر استوار ارتشی هم، با کمک موشک تاو به تانک های دشمن حمله کردند و موفق شدند حدود ۱۰ تانک دشمن را منهدم نمایند. وضعیت سختی بود. نحوه و شدت درگیری ها و شرایط بحرانی جبهه ها از طریق تلفن به فرزند امام حاج احمد آقا، گزارش گردید تا به اطلاع امام خمینی برسد. امام فرمودند: " به بچه ها بگویند مقاومت کنند. " ^{vii} هنوز ۵ ساعت از ابلاغ این پیام نگذشته بود که گردوغبار وسیعی تمام منطقه پاتک دشمن را گرفت بگونه ای که چشم، چشم را نمی دید و باعث شد تا تهاجم دشمن، ناکام بماند و تاریکی شب هم، فرا رسید. معمولاً با تاریک شدن هوا توان جنگیدن ارتش صدام، کاهش می یافت زیرا استفاده از تانک و آتش توپخانه نیاز به روشنایی داشت و شب به عنوان یک پوشش مناسب برای رزمندگان اسلام، مفید واقع می شد. هم آنان را از آسیب پذیری در برابر دشمن تا حد زیادی در امان نگه می داشت، و هم قدرت تحرک و جابجایی و مانور آنها را افزایش می داد. به هر حال در مجموع رزمندگان اسلام موفق شدند تا در این مرحله، از جاده اهواز - خرمشهر با ۱۲ کیلومتر پیشروی، خود را در نهایت در منطقه پاسگاه زید، به دژ مرزی عراق برسانند. در این درگیری ها تعداد زیادی از تانک ها و نفربر های دشمن منهدم و یا به غنیمت درآمد. رزمندگان اسلام توانستند همچون یک پیکان از قلب منطقه دشمن، عبور کرده و خود را به مرز برسانند. نوک پیکان آنها، برای دشمن حرکتی به سمت بصره را تداعی کرده و جلوه می داد. با چنین تصویری بود که در ۶۱/۲/۱۸ لشکرهای ۵ و ۶ ارتش بعضی که خود را در معرض محاصره رزمندگان اسلام می دیدند، به منظور جلوگیری از بسته شدن عقبه خود، اقدام به فرار نموده و با انجام حدود ۶۰ کیلومتر عقب نشینی در پشت مرز بین المللی در ناحیه طلایه و کوشک مستقر شده و خط دفاعی جدیدی را در امتداد مرز شکل دادند. با این عقب نشینی شهر هویزه و پادگان حمید آزاد گردید. در این شرایط نیروهای قرارگاه قدس، که متوجه عقب نشینی دشمن از روبروی خود شده بودند، از مسیر جاده اهواز - خرمشهر به سمت پادگان ح مید حرکت کرده و بدین ترتیب، جاده اهواز - خرمشهر به طور کامل باز گردید. در تعقیب واحدهای ارتش بعضی، درگیری در منطقه جفیر ادامه یافت. با عقب نشینی لشکرهای ارتش بعضی، یگان های دو

قرارگاه فتح و قدس با هم الحاق نموده و عمده منطقه پیش بینی شده در طرح عملیات بیت المقدس به جز منطقه خرمشهر، آزاد گردید. در این شرایط، فضای پیروزی در اذهان بسیاری از مسئولین کشور فراهم آمده بود به گونه ای که قائم مقام رهبری، پیشنهاد داشتند که به منظور ساقط کردن صدام، نیروهای ایرانی سریعاً وارد خاک دشمن شوند. ^{viii}

تلاش برای محاصره و دسترسی به خرمشهر

پس از پایان مرحله دوم، مرحله سوم عملیات در تاریخ ۶۱/۲/۱۹ با تعجیل آغاز شد تا کار دشمن یکسره شود. تیپ های ۲۵ کربلا و ۵۵ هوابرد و نیز تیپ های ۱۴ امام حسین و ۸ نجف از مسیر محور بویان و از سمت شمال به جنوب در کنار مرز شلمچه حمله خود را آغاز کردند تا خود را به جزیره بوارین برسانند و عقبه دشمن را ببندند و با فتح خرمشهر کار را تمام کنند. ولی دشمن مقاومت کرد و علی رغم آنکه برخی از رزمندگان خود را به نزدیکی های شلمچه رساندند ولی موفقیتی حاصل نشد. البته انهدام نیروی خوبی از دشمن صورت گرفت ولی از آنجا که این نیروها از جناحین در معرض خطر بودند و نیروهای تازه نفسی هم برای جایگزینی آنها وجود نداشت، به مواضع قبلی خود بازگشتند. شب بعد، در این محور حمله تازه ای دوباره انجام شد ولی بدلیل آتش سنگین دشمن که با کمک توپ های ضد هوایی ۲۳ میلی متری بر روی سطح زمین علیه رزمندگان اسلام اجرا می شد و به منظور جلوگیری از تلفات بیشتر، از ادامه عملیات در این محور خودداری گردید. در این منطقه، وضعیت و شرایط جغرافیایی زمین صاف بوده و هیچ گونه عوارض و خاکریزی و جان پناهی در آن وجود نداشت و این خود موجب تلفات انسانی می گردید.

در این شرایط، فرسودگی و خستگی و حالت روحی عجیبی در بین فرماندهان ایجاد شده بود. توقف عملیات موجب شد تا ۱۳ روز، فرماندهان و طراحان، در پی کشف راهکاری جدید برای حمله به خرمشهر و آزاد کردن آن باشند. راهکارهای مختلفی مطرح شد. راهکار اول حمله به خرمشهر از حاشیه رودخانه کارون بود که دشمن از قبل آنجا را با موانع مختلف و استحکامات گوناگون، غیر قابل نفوذ کرده بود. راهکار دوم حمله از طریق جاده اهواز- خرمشهر و وارد شدن به شهر از طریق دروازه آن بود که آن مسیر نیز به شدت از سوی دشمن محافظت می شد. راهکار سوم حمله مجدد از طریق دژ مرزی به سمت شلمچه بود که در مرحله سوم انجام شده و نا موفق بود. بنابراین با توجه به کاهش توان رزمی و طولانی شدن دوران عملیات و تحلیل قوای یگان های مانوری بایستی چاره ی جدیدی اندیشیده می شد. تا این مرحله بیش از ۵ هزار کیلومتر مربع از سرزمین های جنوب اهواز از وجود قوای دشمن پاک شده و به خاک وطن باز گشته بود و حدود ۷ هزار نفر نیز از نظامیان دشمن اسیر گردیده بودند. البته رزمندگان اسلام نیز تا این زمان حدود ۴۷۰۰ شهید و ۱۷ هزار مجروح، داشتند، ولی مردم ایران، همچنان منتظر آزادی خرمشهر به عنوان نماد پیروزی قوای اسلام بر کفر صدامی بودند و این خود،

فرماندهان عملیات را وادار به چاره اندیشی های جدیدی می کرد . گرچه عمده قوا به تحلیل رفته و یگان های رزمی در ۲۳ روز جنگ شبانه روزی به شدت خسته، فرسوده و کم توان شده بودند، ولی به هر حال باید آخرین تلاش های خود را با اطمینان به نصرت الهی سازمان می دادند تا به هدف نهایی در این عملیات، نائل آیند . در این ایام دشمن هم به مواضع ما حمله می کرد از جمله در تاریخ جمعه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۱، ارتش بعثی حمله ای را به مواضع رزمندگان اسلام در منطقه طلایه انجام داد و خاکریز اول نیروهای خودی را تصرف کرد، به گونه ای که تعدادی از نیروهای ایرانی اسیر شدند. به نظر می رسید که دشمن اینگونه حملات را برای منصرف کردن رزمندگان اسلام از حمله به خرمشهر انجام می دهد . حملات ارتش بعثی به مواضع رزمندگان اسلام در ۶۱/۲/۲۷ در منطقه کوشک و در ۶۱/۲/۲۹ در منطقه مرزی، ادامه یافت. این حملات می توانست قوای ایران را متوجه خود ساخته و تلاش برای آزادسازی خرمشهر را با تأخیر مواجه سازد.

به سوی آزاد سازی خرمشهر

اگر در این شرایط که دشمن از نظر روحی آشفته و از هم پاشیده بود، خرمشهر به تصرف رزمندگان اسلام در نمی آمد، فرصتی برای ارتش بعثی عراق ایجاد می شد تا اشکالات و نقایص خطوط پدافندی خود برای حفظ خرمشهر را برطرف کرده و با احداث سنگرهای جدید، حفر کانال ها، ایجاد موانع و استحکامات فراوان، راه رسیدن به خرمشهر را مسدود تر نموده و آنجا را تبدیل به یک دژ تسخیر ناپذیر بنماید . در این صورت دشمن یگان های خود را بازسازی می کرد و در چنین شرایطی برای فتح خرمشهر، رزمندگان اسلام با لشکر ها و تیپ های تازه نفس دشمن و نیز با موانع و استحکامات جدیدی مواجه می شدند که برای عبور از آنها باید تلفات بیشتری را متحمل می گردیدند . همانگونه که برای دفاع از خرمشهر، ارتش بعثی تمام تدابیر لازم را از قبل اندیشیده بود و با احداث لایه های مختلف دفاعی در شمال و شرق این شهر و نیز کاشت موانع ضد هلی برن از قبیل تیر آهن های متعدد در زمین ها و بیابان های باز درون خرمشهر، برای هر نوع تاکتیک ایران جهت حمله به این شهر و آزاد سازی آن، چاره اندیشی کرده بود. فقط مسیر تدارکاتی و پشتیبانی از قوای بعثی در خرمشهر که از جاده شلمچه می گذشت و دور از دسترس قوای ایران بود، از وجود موانع تا حدی خالی بود . حال در این مرحله از عملیات، رزمندگان اسلام به پشت خرمشهر در کنار مرز رسیده بودند و باید از فرصت طلایی برای آزادی این شهر خونین، استفاده می کردند ولی به هر حال نیروی تازه نفسی برای ادامه نبرد و پایان دادن به اشغال خرمشهر باقی نمانده بود.

تلاش ارتش عراق برای حفظ خرمشهر

ارتش بعثی برای از دست ندادن خرمشهر، تمام تدابیر و توان خود را به کار گرفت . دشمن علاوه بر اقدامات نظامی، دست به تلاش های زیادی برای بالا بردن روحیه نظامیان خود و نیز افزایش انگیزه آنها برای ماندن در

خرمشهر، زد. ارتش عراق در روز دوم خرداد سال ۱۳۶۱ یعنی یک روز پیش از آغاز حمله نهایی رزمندگان اسلام به بعضی های مستقر در خرمشهر، اطلاعیه ای را در بین همه نظامیان عراقی که در این شهر و اطراف آن مستقر بودند، توزیع و در آن دفاع از خرمشهر و حومه آن را مانند دفاع از بغداد و حومه آن و دفاع از همه شهرهای عراق، دانست. در این اطلاعیه نوشته شده بود که خرمشهر حکم بالشی را دارد که بصره بر آن آرمیده است و در آن تأکید شده بود که اگر خرمشهر به دست نیروهای ایرانی بیفتد، در این صورت دروازه های نکبت به روی عراق باز خواهد شد. صدام حسین هم طی نامه ای به فرمانده سپاه سوم نوشته بود: امنیت و ثبات بصره بدون خرمشهر در تهدید است. امام خمینی در این باره، در سخنان خود در ۱۳۶۱/۳/۱۱ می فرمایند: "آدمی که ملاحظه کردید در آن چیزی که نوشته بود به سران نظامی خودش در شهر خونین شهر، خرمشهر، آنطور سفارش کرده بود که بزنید، بکشید و چه بکنید تا آخر گلوله، تا آخر نفر، این دید که همان نظامیهای او گوش ندادند به او، نتوانستند گوش بدهند. اصلاً مجال قرائت این چیزها را به آنها ندادند و فوج فوج تسلیم شدند." ^{ix} بنابراین اصرار دشمن بر حفظ خرمشهر و تقویت نیروهای خود در آن شهر از یک سو و از سوی دیگر کمبود نیرو در بین رزمندگان اسلام برای باز پس گیری این شهر از دست دشمن، شرایط ویژه ای را برای فرماندهان عملیات بیت المقدس پدید آورده بود.

تلاش های فشرده برای فتح خرمشهر

برای برون رفت از بن بست پدید آمده در چنین وضعیتی از شرایط عملیات، قرارگاه مرکزی کربلا پاسگاه تاکتیکی خود را به محلی در اطراف خرمشهر، منتقل نمود تا بتواند به سرعت جلساتی را با فرماندهان یگان های درگیر در خط مقدم، برگزار نماید. گزارش ها حاکی از آن بود که توان و رمقی برای واحد های رزمی باقی نمانده است. نیاز به توقف عملیات بیای بازسازی و ترمیم یگان ها بود. برخی از فرماندهان معتقد بودند که حتی تفنگ های ۳ نیاز به تمیز شدن دارد تا بتوان با آنها تیراندازی کرد. فشردگی نبرد در روزهای طولانی اجازه تعمیر و نظافت سلاح ها و جنگ افزارها را برای استفاده مجدد از آنها نمی داد. خستگی و تلفات نیز مزید بر علت شده و نیاز به یک فرصت زمانی را الزام آور می نمود. از سوی دیگر گذشت زمان به نفع دشمن بود و نایستی به واحدهای ارتش بعضی فرصت داده می شد. فرماندهان معتقد بودند که گرچه شرایط سخت است ولی خداوند در سوره انشراح می فرماید: "إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا" همانا با هر سختی، آسانی همراه است. به منظور تأمین کمبود نیرو برای ادامه عملیات، از قبل تصمیم گرفته شده بود تا قرارگاه فجر به همراه یگان های تابعه یعنی تیپ های امام سجاد (ع) و المهدی و یک تیپ از لشکر ۷۷ خراسان، از منطقه عملیاتی فتح مبین در حوالی مرز فکه به منطقه فراخوانده شوند. برای طرح ریزی چگونگی ادامه عملیات و نزدیک شدن به خرمشهر تصمیم گرفته شد تا قرارگاه فجر بین منطقه مأموریت قرارگاه های فتح و نصر، قرار گرفته و به انجام عملیات پردازد. طرح جدیدی

نیز برای مانور آزاد سازی خرمشهر تهیه شد . از آنجا که قبلاً از دژ مرزی به سمت شلمچه، عملیات صورت گرفته و ناموفق شده بود، این بار تصمیم گرفته شد تا رزمندگان از منطقه بین جاده اهواز- خرمشهر و شلمچه، حمله خود را آغاز نمایند تا خرمشهر را به محاصره خود در آورند . در روزهای آخر عملیات تعداد نیروهای رزمنده هر لحظه کمتر می شد. یگان های شرکت کننده در عملیات، هم باید از نقاط تصرف شده، پدافند می کردند و هم به ادامه نبرد برای تکمیل اهداف خود می پرداختند، در حالی که به دلیل طولانی شدن نبرد، سازماندهی یگان ها از هم پاشیده شده بود و بسیاری از رزمندگان آنها نیز، شهید و مجروح شده بودند. در چنین شرایطی سازماندهی واحدهای جدیدی برای حمله به خرمشهر، کار ساده ای نبود . به هر حال برای فائق آمدن بر وضعیت بحرانی فوق، جلسه ای بین فرمانده کل سپاه و فرمانده نیروی زمینی ارتش برقرار و قرار بر این شد تا از هر یگان حدود دو گردان برای حرکت به سمت خرمشهر، سازماندهی شوند. از آنجایی که کمبود نیرو امید به آزادی خرمشهر را تا حد زیادی کاهش داده بود، تصمیم بر این گرفته شد تا حداقل با انجام عملیات جدیدی، خرمشهر را محاصره نموده تا در فرصت و اقدام بعدی این شهر آزاد شود . بحث در مورد این طرح که بهترین طرح برای فتح خرمشهر تلقی می شد بیش از ۵ دقیقه طول نکشید و فرمانده سپاه و نیروی زمینی ارتش فوری در مورد آن با هم هماهنگ شدند ولی سؤال این بود که چگونه این طرح به فرماندهان یگان های عمل کننده ابلاغ شود؟ زیرا آنها انتظار داشتند تا در اجرای طرح ها مورد مشورت قرار گیرند و بخصوص روش فرماندهی بر یگان های سپاه با مشاوره دائمی با فرماندهان آنها در مورد طرح های عملیاتی و تاکتیک اجرایی آنها، صورت می پذیرفت. قرار شد سرهنگ صیاد شیرازی در جلسه ای با حضور فرماندهان لشکرها و تیپ های سپاه و ارتش، این طرح را ابلاغ نماید. او با قنای فرج سخن خود را آغاز و طرح را ابلاغ کرد. برخی از فرماندهان سپاه مانند احمد متوسلیانی فرمانده تیپ محمد رسول الله و حسین خرازی فرمانده تیپ امام حسین اعتراض نموده و این طرح را متفاوت با بحث های صورت گرفته قبلی ارزیابی کردند . بالاخره در نهایت حسین خرازی و احمد متوسلیانی گفتند که ما تابع دستور و تکلیف هستیم و عملیات را در همان شب آغاز کردند.

طرح جدید برای محاصره و آزاد سازی خرمشهر

بر اساس طرح جدیدی که در تاریخ ۶۱/۲/۳۰ از سوی قرارگاه مرکزی کربلا، ابلاغ گردید، قرار شد تا قرارگاه فتح در سمت چپ و قرارگاه فجر در وسط و قرارگاه نصر در سمت راست تک نموده و نیروهای دشمن را در منطقه منهدم و خرمشهر را محاصره و سپس آن را تأمین نمایند . بر این اساس در ساعت ۲۲:۳۰ روز دوم خرداد سال ۱۳۶۱ تلاش جدیدی برای محاصره خرمشهر با رمز بسم الله القاصم الجبارین، یا محمد ابن عبدالله (ص) آغاز گردید. قرارگاه فتح با بکارگیری رزمندگانی از تیپ های ۱۴ امام حسین و ۸ نجف و ۲۵ کربلا به صورت هم زمان آماده گشته و با همت فرمانده هانشان، به صورت دشت بان حمله خود را از فضای بین جاده اهواز-

خرمشهر و نهر عرایض به همراه دو قرارگاه دیگر در منطقه بین نه ر عرایض و دژ مرزی برای آزاد سازی خرمشهر آغاز نمودند. آنها بایستی از خاکریزهای دشمن در منطقه رودخانه عرایض عبور کرده و با پیمودن چهار پنج کیلومتر خود را به اروند رود می رسانند تا محاصره خرمشهر از سمت غرب آن، انجام شود. البته امکان محاصره کامل این شهر وجود نداشت زیرا از سمت جنوب، خرمشهر در کنار اروند رود قرار داشت که دشمن در آن طرف رودخانه، حضور داشته و همه آتش های خود را از خمپاره تا توپخانه برای پشتیبانی از قوای ارتش بعثی در داخل خرمشهر سازماندهی کرده بود. از سوی دیگر حضور نیروهای دشمن در جزایر ام الرصاص و سهیل، امکان پشتیبانی از اشغالگران خرمشهر را فراهم می آورد. به هر حال، سه محور عملیاتی برای محاصره خرمشهر، برنامه ریزی شد. حمله از محور شرقی در سمت محور شمالی خرمشهر را قرارگاه فتح با تیپ ۱۴ امام حسین (ع) و تیپ ۸ نجف، حمله از محور وسط را قرارگاه فجر با تیپ امام سجاد (ع) و تیپ ۳۳ المهدی و یک گردان از تیپ سوم لشکر ۷۷ و حمله از مسیر محور شلمچه را قرارگاه نصر ۲ با تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) و تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه و قرارگاه نصر ۳ با تیپ ۳۱ عاشورا و تیپ ۳ پیاده از لشکر ۲۱ حمزه ارتش بر عهده گرفتند. حمله از محور چپ (شرق) به عنوان تلاش اصلی و حمله از محورهای وسط و راست (غرب) به عنوان تلاشهای پشتیبانی تلقی می گردید در جلوی محور وسط یک منطقه آبگرفتگی وجود داشت. بالاخره در اواخر روز دوم خرداد و بامداد روز سوم خرداد سال ۱۳۶۱ با آرایش و سازماندهی فوق و با حدود ۱۲ گردان رزمی پیاده، عملیات آزاد سازی خرمشهر آغاز شد. با آغاز عملیات، پیش روی محور اول که در سمت راست بود به سرعت و با همت تیپ محمد رسول الله (ص) انجام شد و رزمندگان، خود را در ساعت ۶:۳۰ صبح به اروند رود رساندند. ولی پیشروی از دو محور دیگر به کندی صورت می گرفت. در ساعت ۳:۴۵ بامداد روز ۶۱/۳/۳، رزمندگان یگانهای قرارگاه فتح به جاده آسفalte خرمشهر - شلمچه رسیدند و مشغول باز شدن به طرف پل نور شدند. رزمندگان یگانهای قرارگاه فجر ۳ هنوز به جاده نرسیده بودند. رزمندگان قرارگاه نصر ۲ که متشکل از تیپ ۲۷ محمد رسول الله و تیپ ۲ لشکر ۲۱ بود به جاده آسفalte رسیدند ولی رزمندگان قرارگاه نصر ۳ که متشکل از تیپ ۳۱ عاشورا و تیپ ۳ لشکر ۲۱ بودند، به علت برخ ورد با موانع زیاد از جمله میدانهای مین و مقاومت شدید دشمن، زمین گیر شدند. در ساعت ۴:۳۰ بامداد روز ۶۱/۳/۳ نیروهای خودی با در هم کوبیدن مقاومهای دشمن، خود را به حوالی نهر خین رساندند و ارتباط نیروهای دشمن مستقر در خرمشهر، تقریباً با غرب آن یعنی با محور شلمچه قطع گردید. در این شرایط عبور نیروهای دشمن از طریق جاده خاکی صورت می گرفت. هنگامی که خبر محاصره خرمشهر به صدام رسید به لشکر ۷ پیاده دستور داد تا محاصره شهر را درهم بشکند و نیروهای خود را در خرمشهر مستقر کند و گرنه او و اعضای ستاد لشکر همگی اعدام خواهند شد. مشخص بود که با توجه به موازنه قوای موجود و وضعیت روحی نیروها، این خواسته غیر ممکن است. لشکر ۷ در

دستیابی به هرگونه پیشروی ناکام ماند و برای اولین بار صدام در اجرای حکم اعدام در صحنه جنگ تردید به خود راه داد.^x

آزاد سازی و فتح خرمشهر

از ساعت ۷ صبح روز سوم خرداد، قرارگاه فتح با کمک تیپ امام حسین (ع) با ۷۰۰ رزمنده، حرکت خود را به سمت خرمشهر آغاز و دور جدیدی از تلاش برای فتح خرمشهر را شروع کرد. با این اقدام، دو محور دیگر هم توانستند بر دشمن غلبه یافته و در مسیر رسیدن به خرمشهر بر فعالیتهای خود افزودند. در این شرایط رزمندگان تیپهای ۳۳ المهدی و امام سجاد و تیپ ۳ لشکر ۷۷ که تحت عنوان قرارگاه فجر ۳ به پیش روی خود ادامه می دادند به پل نو رسیده و به طرف اروند رود، پیش روی خود را ادامه می دادند. سرعت پیش روی رزمندگان به گونه ای بود که بالگرد جنگی دشمن در پرواز صبح زود خود در روز سوم خرداد، بر فراز این منطقه تصور می کرد که هنوز نیروهای ارتش بعثی در آنجا مستقر هستند و در نتیجه با پرواز از ارتفاع پایین در خرمشهر، مورد اصابت راکت آر پی چی ۷ رزمندگان اسلام قرار گرفته و سرنگون می شود. در حالی که در داخل خرمشهر استعداد نیروهای دشمن بیش از یک ل شکر یعنی در حدود ۱۵ هزار نفر بود و برای حدود ۲ هفته مهمات، تجهیزات و مواد غذایی لازم را در اختیار داشتند ولیکن با رعبی که در دل آنها ایجاد شده بود، نظامیانی که در خط مقدم حضور داشتند شروع به تسلیم خود کرده و افرادی که دورتر و در سمت اروند رود بودند خود را به آب زده و فرار را بر قرار ترجیح دادند. دشمن که مسیر جاده شلمچه را مسدود شده می دید دچار آشفتگی روحی شد و نیروهای وی پس از یک ساعت درگیری در صبح روز سوم خرداد دستهای خود را بالا برده و آماده اسارت شدند. بدین ترتیب ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه سوم خرداد، رزمندگان اسلام از طریق شمال غرب شهر، وارد خرمشهر شدند و تا غروب آن روز، بیش از ۱۲ هزار نفر از نظامیان بعثی را در داخل خرمشهر به اسارت خود درآوردند و مهر پیروزی را بر جبین ایرانیان و امام عزیزشان ثبت کردند. البته یگانهای قرارگاه های فتح و فجر ۳ در ساعت ۲ بعدازظهر روز سوم خرداد توانستند خود را به ساحل رودخانه اروند رسانده و مأموریت خود را به پایان برسانند. در همین حال یگانهای قرارگاه نصر ۲ خود را به حوالی شمال نهر خین رسانده بودند همچنان با مقاومت شدید دشمن مواجه بودند. ولی یگانهای قرارگاه های نصر ۲ و نصر ۳ توانستند ضمن منهدم کردن تعدادی از تانکها و نفربرهای دشمن یک فروند بالگرد دشمن را که بر اثر اصابت گلوله فرود آمده بود به غنیمت بگیرند و ۵۶۳ نفر از نظامیان بعثی را نیز اسیر نمایند. در مجموع ضربات نیروهای خودی بر واحدهای دشمن آنچنان شدید و سریع بود که ارتباط یگانهای دشمن را با یکدیگر قطع نمود و موجب فرار نظامیان عراقی در رده های مختلف گردید و پیروزی بزرگی را برای ملت ایران به ارمغان آورد و بدین صورت خاکریز بصره فرو ریخت.^{xi}

البته ارتش عراق توانست در کنار پلی بر روی اروندرود در مدخل رودخانه خین باقی بماند و تلاش رزمندگان

برای گرفتن آن موفق نبود. ^{xi i} به هر حال این پیروزی بزرگ، در اخبار سراسری رادیو در ساعت ۲ بعد از ظهر به اطلاع مردم ایران رسید و فضایی از خوشحالی و شعف و شادی و سرور را برای مردم ایران به ارمغان آورد. امام خمینی هم از این پیروزی بسیار مسرور شدند. از قول فرزند ایشان حاج احمد آقا، نقل شده است که گفته اند: هیچ گاه امام را در طول عمرشان تا به این اندازه، بَشاش و خوشحال ندیده بودم. امام هم با بیان اینکه " خرمشهر را خدا آزاد کرد"، دیدگاه خودشان را نسبت به عملیات بیت المقدس و ارزش آن بیان کردند. فتح خرمشهر در آستانه روز میلاد با سعادت حضرت امام حسین (ع) و روز پاسدار، بدست رزمندگان اسلام انجام شد و نشاط را برای همه مردم ایران به ارمغان آورد. امام خمینی در سخنرانی ۱۳۶۱/۳/۲۲ در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش برای این مسئله که ما خودمان چیزی نیستیم و هر چه هست مبدأ غیبی دارد و آن مبدأ غیبی است که ما را کمک می کند، تکیه نموده و می فرمایند: " شوخی نیست که یک جمعیت کثیری با زحمتهایی یک دژی برای خودشان - به آن دژهای محکم - درست بکنند و در پناه آن دژ باشند و یک جمعیت کمی از بیابان به آنها حمله بکنند و تسلیم بشوند آنها. تسلیم برای این است که می ترسند. ترس را که در آنها ایجاد کرده است؟ ما که جمعیتمان به اندازه آنها نبود. ما که در بیابان بودیم و در معرض اینکه آسیب ببینیم و آنها در پناهگاهها بودند و در دژهایی که درست کرده بودند و این خوف را هم نداشتند. این یک خوفی بود که خدای تبارک و تعالی در قرآن هم در سوره احزاب، آیه ۲۶ از آن اطلاع داده است که در صدر اسلام خدا یک قسم از چیزهایی که پیروز می کرد کشور اسلامی را، همین بود که رعب در دل مقابلین آنها القا می فرمود. ما مرهون این رحمت های بزرگ الهی هستیم و در عین حال مرهون این ملت هستیم که اینطور همه با هم کمک می کنند." ^{xiii} گرچه خرمشهر با همت بی نظیر و اراده مصمم رزمندگان اسلام از چنگال ارتش عراق رهایی یافت ولی به گونه ای دهشت آور منهدم شده و زیر ساخت های آن از بین رفته بود.

نگاه امام خمینی به فتح خرمشهر

با آزاد سازی خرمشهر، عملیات بیت المقدس پایان یافت. بیست ماه اشغال خرمشهر، نجات آن را به یک ضرورت حماسی و یک آرزوی حیاتی برای ملت ایران تبدیل کرده بود. فتح خرمشهر از لحاظ سیاسی بسیار مهم بود و تأثیر فراوان و خوشحال کننده ای بر مردم و مسئولین ایرانی بویژه امام خمینی گذاشت. ^{xiv} بنیانگذار جمهوری اسلامی با شنیدن خبر فتح خرمشهر در همان روز پیامی را صادر فرمودند که ضمن نشان دادن اهمیت آزاد سازی خرمشهر، دیدگاه خود را نسبت به دفاع اسلامی، رزمندگان سلحشور و پیروزی بر دشمن بیان کردند. در این پیام، امام "با یقین به آنکه پیروزی فقط از جانب خداوند است" و ما النصر الا من عند الله " از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم را از چنگ گروگان آدمخوار که آلت هایی در دست ابر قدرتاتن خصوصاً آمریکای جهان خوارند، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در

خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم پر افتخار لا اله الا الله را بر فراز آن شهر خرم - که با دست پلید جنایتکاران غرب به خون کشیده شده و خونین شهر نام گرفت - بیفراشت، تشکر کردند. و فرمودند که آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپا کننده عدل الهی در سراسر گیتی می باشند و به آرم " و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی " مفتخرند. ایشان رزمندگان متعهد و فداکار و قوای سلحشور مسلح را " عزیزان و نور چشمان اسلام " خواندند که این فتح و نصر عظیم را با توفیق الهی و ضایعات کم و غنائم بی پایان، برای اسلام و میهن عزیز، افتخار ابدی هدیه آوردند. ایشان همچنین به ملت عظیم الشان ایران، داشتن چنین فرزندان سلحشور جان برکفی را که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند، تبریک گفتند. ایشان همچنین از مردم و نیروهای مسلح خواستند که هوشیار باشند که پیروزی هر چند عظیم و حیرت انگیز است آنها را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست، غافل نکند و فرمودند غرور فتح، شما را به خود جلب نکند که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه شیطان به سراغ آدم می آید و برای اولاد آدم تباهی می آورد. ایشان همچنین در این پیام به حکومت های همجوار و منطقه نصیحت کردند که از اطاعت بی چون و چرای آمریکا و بستگان آن دست بردارید و بدانید که قدرت های بزرگ شماها را برای منافع خویش به هلاکت می کشند و در پایان نیز برای قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران، دعا کردند و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار شدند.^{xv} امام خمینی هشت ماه پس از فتح خرمشهر به این پیروزی بزرگ اینگونه می نگرند: "ما نباید فتح های بزرگ مثل خرمشهر را از یاد ببریم که دشمن با همه تجهیزات در سنگرهای بسیار محکم با عده و عدد بسیار کمین کرده بود و در مقابل عده ای از سلحشوران متعهد اسلام از بیابان باز به آنان تاخته و خداوند آنچنان رعب و وحشت را بر دشمنان ما غلبه داد که با اسارت هزاران نظامی و غنیمت های بسیار، باقی مانده اشرار با فراحت تمام روبه فرار گذاشته و شهرها را رها کردند. رزمندگان عزیز ما نباید این پیروزی معجزه آسا را جز با مدد های الهی ببینند و اگر چنین شد غرور آنها خلاصه می شود در اینکه ما مورد عنایت قادر متعال هستیم و از خود چیزی نداریم و آنچه داریم از اوست و باید به راه او نثار کنیم و اینجاست که خداوند عنایات خود را ادامه می دهد." ^{xvi}

فتح خرمشهر پایان رویای صدام در اشغال سرزمین های ایران

باید پرسید که اگر خرمشهر در روز به یاد ماندنی سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱، با استفاده از قدرت نظامی سلحشوران دلاور ایران، فتح نمی شد جنگ چه سرانجامی می یافت؟ آیا صدام هیچ گاه با اختیار و اراده خود، این شهر را رها می کرد و از نامیدن آن به نام "مُحَمَّرَه" منصرف می شد؟ بر جای ماندن حدود ۱۲ هزار اسیر عراقی در جریان آزادی خرمشهر نشان داد که ارتش عراق مصمم بوده است تا به هر قیمتی خونین شهر را در اختیار خود نگه داشته و آن را برای همیشه حفظ نماید. آزاد سازی خرمشهر پایان یک دوره مهم از جنگ و آغاز یک

دوره جدید در دفاع مقدس است. فتح خرمشهر ماهیت و شکل جنگ را تغییر داد. تا قبل از فتح خرمشهر، هدف صدام و حزب بعث عراق، تضعیف و تسلیم نظام جمهوری اسلامی بود. البته در اثنای جنگ وقتی که صدام حسین احساس کرد نمی تواند به تمام اهداف خود از طریق تهاجم نظامی برسد، جدا کردن بخشی از استان خوزستان از ایران و نیز لغو قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر را به عنوان دستاوردهای مهمی تلقی می کرد. با فتح خرمشهر همه این اهداف برنامه ریزی شده دشمن از بین رفت. عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر، ایران را به اوج پیروزی رساند و رزمندگان اسلام را در قله افتخار ایرانیان سربلند قرار داد. در این شرایط، احساسی که از بزرگی و عظمت قدرت صدام در خاورمیانه به وجود آمده بود به یکباره فرو ریخت و انقلاب اسلامی را در جایگاه تعیین کننده ای در بین ملت های منطقه قرار داد. موازنه قوا را به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر داد و منزلت ایرانیان را و قدرت اسلام را که چنین رزمندگان سلحشوری را آفریده است در عرصه نظام بین المللی ارتقاء داد. امام خمینی را به عنوان رهبری شکست ناپذیر که با عرضه ی دیدگاه های اسلامی، توانسته است قدرت جدیدی را به ملت ایران ارزانی بخشد، در افکار عمومی جهانیان یکبار دیگر مطرح کرد. مردم لبنان و فلسطین به مبارزه خود در برابر رژیم صهیونیستی امیدوار شدند. فتح خرمشهر، این احساس را در مردم ایران پدید آورد که قدرت ایمان، اراده مصمم و هدایت امام خمینی می تواند بر تمام پشتیبانی های امریکا و شوروی و برخی از کشورهای اروپایی و عربی از رژیم بعثی صدام، فایق آید و عظیم ترین قدرت نظامی عربی را در برابر قدرت اسلام و رزمندگان سلحشور ایران ناکام بگذارد. با فتح خرمشهر علائم شکست صدام برای همگان آشکار شد و ظهور قدرت نظامی جدید ایران را که از درون انقلاب اسلامی جوشیده بود، نوید داد. در آن روزها نخست وزیر رژیم صهیونیستی گفته بود که اگر نیروهای ایرانی از رودخانه دجله عبور نمایند، ارتش اسرائیل با آنها مقابله خواهد کرد، زیرا مناخم بگین، سقوط صدام را موجب حرکت رزمندگان اسلام به سمت قدس شریف می دانست. فتح خرمشهر برای همیشه، سربلندی ایرانیان و توانمندی مکتب اسلام را در تربیت رزمندگان پر توان و شجاع، به همراه خواهد داشت و پرچم مقاومت را در بین مردم ایران، برافراشته نگه خواهد داشت.

نتایج و دستاوردهای عملیات بیت المقدس

بیشترین دستاوردهای دوران جنگ در عملیات بیت المقدس حاصل شد. در جریان این عملیات بسیار ارزشمند، شهرهای خرمشهر، هویزه، پادگان حمید و منطقه وسیعی از خاک ایران، به وسعت تقریبی ۵۴۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. حدود ۱۹ هزار و ۷۰۰ نفر از نظامیان عراقی به اسارت در آمدند. حدود ۱۶ هزار نفر از نظامیان ارتش بعثی کشته و زخمی شدند. ۱۰۵ تانک و نفربر و هزاران سلاح انفرادی و مهمات زیادی از دشمن به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد. فراوانی غنایم به اندازه ای بود که فقط تخلیه مهمات برجای مانده از سوی ارتش بعثی در داخل سنگرهایش حدود دو ماه به طول انجامید. این مهمات غنیمتی تا ۳ سال، علیه قوای دشمن در نبردهای بعدی

بکار می رفت. همچنین حدود ۲۰ فرزند هواپیما و ۲ فرزند بالگرد نظامی دشمن ساقط و ۴۱۸ دستگاه تانک و نفربر ارتش بعثی نیز منهدم گردید. البته این پیروزی با تقدیم حدود ۶ هزار شهید و حدود ۲۵ هزار نفر زخمی، حاصل شد. xvi

دلایل موفقیت و ارزیابی عملیات بیت المقدس

عملیات هایی را که ایران از ۵ مهر ۱۳۶۰ تا آغاز عملیات بیت المقدس انجام داد، همگی بطور صد درصد موفق بودند و شکست روحی فراوانی را برای ارتش عراق بوجود آوردند. اگر این عملیات ها صورت نمی گرفت طبیعتاً عملیات بزرگی مثل بیت المقدس نمی توانست این چنین دستاوردهایی نایل آید. تجربیات آن عملیات ها که با هماهنگی کامل ارتش و سپاه و با رعایت اصل اساسی غافل گیری و همچنین با طرح ریزی دقیق و منطقی و با بهره گیری از نقاط ضعف ارتش عراق در چگونگی گسترش و آرایش در منطقه عملیاتی و با کمک رزمندگان شجاع و ایثارگر انجام شد در این عملیات نیز بطور کامل رعایت گردید. اما عملیات بیت المقدس تفاوت هایی از جمله وسعت و اهمیت بیشتر نسبت به سه عملیات پیشین داشت که موجب پاتکهای متعدد دشمن در مدت ۲۵ روز گردید. بنابراین حفظ سرزمینهای تصرف شده در حین عملیات، استقامت بسیار بالای رزمندگان را طی ۲۵ روز جنگ شبانه روزی در هوای بسیار گرم خوزستان می طلبید. در چنین شرایطی وجود سازمان های پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی مناسب، اهمیت بیشتری می یافت. در این عملیات برای اولین بار بهداری رزمی، پایه گذاری و توسعه یافت به گونه ای که در کنار رودخانه کارون، مرکز امدادهای اضطراری و در محل مجموعه انرژی اتمی، یک بیمارستان جنگی، احداث گردید. همچنین از سامانه پدافند هوایی هاگ، جنگنده های نیروی هوایی و بالگردهای هوانیروز، استفاده مناسبی بعمل آمد. از سوی دیگر توسعه سازمانی سپاه و افزایش یگانهای رزمی ظرف مدت یک ماه قبل از آغاز عملیات، که با جذب نیروهای ج دید و آموزش و سازماندهی گردیده و به کارگیری شدند، توانست تا حد زیادی امکان تداوم عملیات برای مدت بیش از ۳ هفته را فراهم آورد. در دوران جنگ هشت ساله نبردی عظیم تر، وسیع تر، مهم تر و ماندگارتر از عملیات بیت المقدس وجود ندارد بیشترین تعداد اسرای دشمن و بالاترین رقم غنائم جنگی در این عملیات بدست آمد. عمیق ترین پیشروی ها در این نبرد انجام شد به گونه ای که از شرق منطقه عملیاتی با عبور از کارون، ۳۷ کیلومتر پیشروی در مرکز ثقل و منطقه تعادل قوای دشمن انجام و رزمندگان اسلام خود را به مرز بین المللی رساندند و از سمت ا هواز نیز حدود ۱۲۰ کیلومتر تا خرمشهر و اروند رود، منطقه بزرگی به تصرف قوای اسلام درآمد. در سال دوم جنگ، صدام و مسئولین ارتش بعثی عراق در همه سطوح از ظهور یک قدرت جدید در قابلیت های رزمی جمهوری اسلامی ایران، غافلگیر شدند آنها نتوانستند درک کنند که این قدرت ج دید نظامی، چگونه در ایران بوجود آمد. آنها مشاهده می کردند که توان ارتش جمهوری اسلامی، تفاوتی نکرده است. بر تجهیزات، جنگ افزارها و یگان

های وی، چیزی افزوده نشده است ولی در عین حال ترکیب جدیدی از توانمندی های نظامی در قدرت رزمی ایران پدید آمده است. در واقع این قدرت جدید حضور نیروهای داوطلبانه مردمی در جبهه های جنگ بود که با نگرش امام خمینی به موضوع دفاع و برداشت های ایشان از مکتب دفاعی اسلام، پدید آمده بود. داوطلبان بسیجی با کمک پاسداران آموزش دیده و در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سازماندهی شدند و حجم عظیمی از یگان های رزمی جدید را بوجود آوردند که با انگیزه الهی و با تمام قوا در برابر دشمن می جنگیدند. از سوی دیگر سازمان جهاد سازندگی به عنوان یک قدرت بزرگ پشتیبانی و مهندسی، توانست ده ها گردان عملیاتی را شکل دهد که پا به پای رزمندگان خط مقدم، برای آنها با احداث خاکریزهای تعجیلی و سنگر های دفاعی، امکان مقاومت در برابر دشمن را فراهم می آورد. از سوی دیگر ارتش بعثی در برابر راهبرد و تاکتیک های اتخاذ شده از سوی رزمندگان اسلام نیز غافلگیر شد و نتوانست روش های جنگی و شیوه های تاکتیکی نیروهای رزمنده را دریابد و درک کند. برای مثال جنگیدن در فضای بزرگی مثل منطقه بیت المقدس که موجب تجزیه قوای دشمن می گردید موجب حیرت دشمن بود. استفاده از راهکارهایی که دشمن، بکارگیری آنها را ناممکن و یا غیر محتمل می دانست موجب غافلگیری اساسی دشمن می شد. مانند عبور از کارون در عملیات بیت المقدس و حمله از طریق تنگه رقابیه و ارتفاعات تیشه کن در عملیات فتح المبین و یا استفاده از مسیر رملی (شن زار) در عملیات فتح بستان. طرح ریزی عملیات شبانه و هدایت نیروها در شب تاریک، برای رسیدن به مواضع دشمن و پرهیز از درگیری با نقاط قوت ارتش بعثی و همچنین سعی در رساندن سریع نیروهای تهاجم کننده به عقبه های دشمن و به سیستم فرماندهی و کنترل وی و همچنین آموزش نیروهای بسیجی در حین نبردها و سازماندهی فوری آنها و همچنین نحوه تدارک نیروها، از نکاتی بود که تا دشمن می خواست به آنها پی ببرد، رزمندگان اسلام موفق شده بودند، ارتش بعثی را از سرزمین های ایران بیرون کرده و خرمشهر را فتح نمایند. در یک جمع بندی می توان این گونه اظهار نظر کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از عوامل برتر ساز توان رزمی به ویژه از جو، زمین و کسب اطلاعات از دشمن، در حد عالی بهره برداری می کرده است و اکثر موفقیت ها در صحنه ی عملیات، مرهون چنین اقداماتی بوده است. با انجام عملیات بیت المقدس، همه سرزمین های ایران از اشغال ارتش بعثی، آزاد نشد. گرچه خرمشهر فتح شد ولی برخی از مناطق مرزی در منطقه شلمچه و طلاییه همچنان در دست دشمن باقی ماند. ارتش بعثی همچنان، بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های ایران بویژه در مناطق غربی کشور از جمله نفت شهر و ارتفاعات حمیرین، را پس از فتح خرمشهر در اشغال خود نگه داشت. این نکته قابل توجه است که ارتش بعثی هیچ گاه، هیچ بخشی از سرزمین های اشغالی ایران را رها نکرد، بلکه تمام مناطق اشغالی با جنگیدن با دشمن و اعمال قدرت نظامی، از چنگال ارتش بعثی رها شده است. باید بخاطر داشت که تا زمان عملیات بیت المقدس، فضای جنگ و درگیری عمدتاً در استان های مرزی در جریان بود و شهرهای دور از مرز

تا حد زیادی از آتش دشمن در امان بودند و جنگ شهرها به صورتی که بعدها از سوی صدام آغاز شد، وجود نداشت. در این ایام، اداره جنگ، بدست فرماندهان سپاه و ارتش بود و مسئولین کشور نیازی به حضور در صحنه عملیات را نمی دیدند و به اداره کشور در تهران می پرداختند. در این دوران، صدام عمدتاً از سلاح های متعارف در جبهه های جنگ استفاده می کرد و هنوز جنگ با سلاح های شیمیایی را آغاز نکرده بود. سازمان منافقین کمک خود به صدام را در حوزه های اطلاعاتی و جاسوسی ارائه می کردند ولی هنوز تیپ های رزمی برای کمک به ارتش بعثی را به وجود نیاورده بودند. ناوگان نظامی آمریکا هنوز در خلیج فارس به صورت گسترده مستقر نشده بود و جنگ نفتکش ها نیز به صورت فراگیر از سوی صدام آغاز نشده بود. در این ایام درآمد نفتی کشور مناسب بود و می توانست مردم و هزینه های جنگ را تأمین نماید.

حمله محدود عراق به شهرها

در جریان عملیات بیت المقدس و پس از فتح خرمشهر، حملات محدود نیروی هوایی ارتش عراق به برخی از شهرهای ایران، آغاز شد. از جمله در آستانه فتح خرمشهر در روز شنبه اول خرداد ۱۳۶۱، جنگنده های عراقی به کارخانه گاز مایع در ماهشهر حمله و بخشی از آن را تخریب کردند. این در حالی بود که ایران در این شهر علاوه بر استقرار موشک های هاگ، دارای سلاحهای پدافند هوایی اورلیکن و توپهای ضد هوایی ۲۳ میلیمتری بود و هواپیماهای F-۱۰۵ نیز پوشش هوایی منطقه را بر عهده داشتند.^{xviii} همچنین جنگنده های ارتش عراق در ۱۳۶۱/۳/۱۲ از ارتفاع بالا به فضای همدان رخنه کردند ولی به دلیل وجود پوشش هوایی، امکان اقدام به بمباران را نیافتند. در روز ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ هواپیماهای عراقی به شهر ایلام در حالیکه مردم راهپیمایی می کردند حمله و موجب شهادت ۴۰ نفر و جراحت ۲۰۰ نفر شدند.^{xi x} امام خمینی در واکنش به بمباران ایلام و پس از حمله ارتش اسرائیل به جنوب لبنان طی پیامی در ۱۳۶۱/۳/۱۷ مرقوم فرمودند: " من کلمه مبارکه استرجاع را نه برای شهادت بیش از ۴۰ نفر زن و مرد و کودک شیرخوار ایران که بدست جنایتکار صدامیان در حال شعار بر ضد امریکا و اسرائیل خونخوار، هدف بمب و آسیب بیش از ۲۰۰ نفر مسلمان عشایر بیگناه و خرابی مسجد، تکیه، بیمارستان و خانه های مظلومان است.... بلکه برای بی تفاوتی کشورهای اسلامی.... و پشتیبانی بسیاری از حکومتها از اسرائیل و صدام، این دو ولد نامشروع امریکا می کنم. " ^{xx} در مجموع حمله به مناطق مسکونی در این دوره از جنگ محدود و کنترل شده بود و طرفین از کشاندن جنگ به غیر نظامیان خیلی استقبال نمی کردند.

هشدار نسبت به آفت های پیروزی

فتح خرمشهر و پیروزی رزمندگان، گرچه مورد تجلیل و تعظیم و تکریم همه اقشار مختلف مردم ایران قرار گرفت و امام خمینی عملیات بیت المقدس را از شاهکارهای عظیم و کم نظیر جنگ ها نامیدند و در ۱۳۶۱/۳/۸ فرمودند: " فتح خرمشهر یک مسئله عادی نبود. اینکه ۱۵ الی ۲۰ هزار نفر به صف برای اسارت بیایند و تسلیم

شوند، مسئله عادی نیست بلکه ما فوق طبیعت است. " ^{xxi} ولی ایشان در پیامی که در ۱۳۶۱/۳/۶ به مناسبت سالروز سوم شعبان صادر فرمودند به رزمندگان اسلام متذکر شدند: " برادران محترم و نور چشمان عزیز، مبدا آفت های پیروزی که در رأس آنها غرور است، خدای ناخواسته شما را به دام کشد و از صاحب اصلی نصر که خداوند قادر است اغفالتان نماید که این حيله ای است شیطانی که دنبال آن علاوه بر از دست رفتن معنویت که اساس پیروزی شما عزیزان است، موجب غفلت از حله های دشمنان نیز می باشد که شکست را همراه دارد. باید شما قوای نیرومند مسلح و ملت عظیم و شأن پشتیبان شما، از تبلور جلوه قدرت الله در خود هیچگاه غافل نشوید و ما النَّصْرُ الا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ نَصْرٌ مِنْ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا شاهد آن است. " ^{xxi i}

ⁱ . منبع شماره ۲۰، ص/ ۹۳

ⁱⁱ . این سد خاکی را ارتش عراق به منظور دفاع از عقبه خرمشهر احداث کرده بود و نام آن را الادمه گذاشته بود. (وفیق السامرائی، ص/ ۹۶)

ⁱⁱⁱ . منبع شماره ۳۷، ص/ ۶۶

^{iv} . منبع فوق، ص/ ۶۹ و ۷۳

^v . منبع شماره ۳۷، ص/ ۷۰

^{vi} . هاشمی رفسنجانی اکبر، خطبه های نماز جمعه سال ۱۳۶۱، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰، نماز جمعه ۱۳۶۱/۲/۱۷ ص/ ۱۷۳

^{vii} . سایت شخصی آقای محسن رضایی

^{viii} . منبع شماره ۳۷، ص/ ۷۴

^{ix} . صحیفه امام، جلد ۱۶، ص/ ۲۸۱

^x . منبع شماره ۲۰، ص/ ۹۸

^{xi} . منبع شماره ۲۰، ص/ ۹۸

^{xii} . منبع شماره ۳۷، ص/ ۸۹

^{xiii} . صحیفه امام، جلد ۱۶، ص/ ۳۱۵

^{xiv} . منبع شماره ۳۷، ص/ ۸۹

^{xv} . صحیفه امام، جلد ۱۶، ص/ ۲۵۷

^{xvi} . صحیفه امام، جلد ۱۷، ص/ ۳۱۸

^{xvii} . ما و جنگ، ص/ ۹۰

^{xviii} . منبع شماره ۳۷، ص/ ۸۷

^{xix} . منبع فوق، ص/ ۹۵ و ۹۷

^{xx} . صحیفه امام، جلد ۱۶، ص/ ۳۰۸

^{xxi} . صحیفه امام، جلد ۱۶، ص/ ۲۶۳ و ۲۷۰

^{xxii} . صحیفه امام، جلد ۱۶، ص/ ۲۶۷